

## دعای سهام‌داران بابت خسارات انعکاسی در حقوق شرکت‌ها

محمدعلی بهمنی\*، محمدرضا نریمانی زمان‌آبادی\*\*

### چکیده

دعای سهام‌داران بابت خسارات انعکاسی که دعای غیرمستقیم نیز خوانده می‌شود، یکی از انواع دعای سهام‌داران در حقوق شرکت‌ها است. مقصود از خسارات انعکاسی، خساراتی است که سهام‌داران در نتیجه ورود زیان به شرکت متحمل می‌شوند و در کاهش ارزش یا سودآوری سهام ایشان «انعکاس» می‌یابد. اینکه آیا سهام‌دار می‌تواند جبران این کاهش ارزش سهام را مستقیماً از شخص زیان‌زننده به شرکت مطالبه کند یا خیر، پرسش اصلی مقاله حاضر است که تلاش شده در پرتو اصول حقوق شرکت‌ها و مسئولیت مدنی به آن پاسخ داده شود. بدین منظور، دعای خسارات انعکاسی پس از بررسی اجمالی سایر دعای سهام‌داران و با مطالعه قوانین و رویه قضایی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و حقوق نوشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به‌ویژه در نظام حقوقی ایران امکان‌سنجی شده است. صدور رأی دیوان عالی انگلستان در قضیه «سویلیا» به تاریخ ۱۵ جولای ۲۰۲۰ میلادی، آخرین تحول قضایی ناظر بر دعای خسارات انعکاسی است که در مقاله حاضر به آن پرداخته شده است. بررسی‌های مقاله نشان می‌دهد این نوع خسارات در نظام‌های حقوقی بزرگ از جمله نظام حقوقی ایران قابلیت مطالبه ندارند.

**واژگان کلیدی:** خسارات انعکاسی، دعای مشتق، دعای غیرمستقیم، دعای سهام‌داران، حقوق شرکت‌ها، قاعده خواهان مناسب

\* استادیار گروه حقوق تجارت بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
bahmaei@hotmail.com

\*\* کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
mohammadreza\_narimani@hotmail.com

## مقدمه

بسته به نوع و ساختار سرمایه شرکت، «سهام‌داری»<sup>۱</sup> به معنای تملک بخشی از سرمایه شرکت در قالب سهام یا سهم‌الشرکه است<sup>۲</sup> و حقوق متعددی، از جمله حق بر سود و دارایی شرکت، حق رأی و اطلاع از امور شرکت از آن ناشی می‌گردد. رعایت و محافظت از این حقوق سهام‌داران از جمله وظایف مهم ارکان حاکمیتی شرکت یعنی مجامع عمومی سهام‌داران، هیئت مدیره و مدیران به شمار می‌رود.<sup>۳</sup> این در حالی است که ساختار حقوقی شرکت، متضمن بروز تعارض منافع میان مدیران و سهام‌داران، و همچنین تعارض منافع میان انواع مختلف سهام‌داران<sup>۴</sup> است. بنابراین، «حمایت از سهام‌داران»<sup>۵</sup> به‌ویژه سهام‌داران اقلیت که فاقد کنترل مدیریتی در شرکت هستند، یکی از موضوعات اساسی در حقوق شرکت‌ها است که بر مبنای آن، سهام‌داران باید در مقابل موارد گوناگونی از نقض حقوق خود و ورود زیان به شرکت، مورد حمایت قرار گیرند.<sup>۶</sup> برای نمونه، در نتیجه ارتکاب تقصیر و نقض وظایف مدیریتی از سوی مدیران یا انعقاد معاملات متضمن تعارض منافع ممکن است اموال شرکت در معرض تضییع قرار گرفته یا در نتیجه افزایش سرمایه بدون طی تشریفات قانونی، نسبت سهام‌داری سهام‌دار کاهش یافته یا اصطلاحاً «رقیق»<sup>۷</sup> شود. مطالعه در قوانین و مقررات کشورهای

## 1. Shareholding

۲. مقصود از سهام‌داری در اینجا، اعم از تملک سهام یا سهم‌الشرکه در شرکت‌های سرمایه است (نک: ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ (از این پس «لایحه اصلاحی قانون تجارت»)) و ماده ۹۴ و ۱۰۲ قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ (از این پس «قانون تجارت»)). در نوشتار حاضر به منظور سهولت در ارجاع، اصطلاح «سهام» در برگزیده هر دو سهام و سهم‌الشرکه در نظر گرفته شده است.

۳. ارکان حاکمیتی شرکت (corporate governance bodies) اصولاً متشکل از مجامع عمومی سهام‌داران (رکن سیاست‌گذار)، هیأت مدیره (رکن اجرایی) و بازرسان یا هیأت نظار (رکن نظارتی) است که البته ممکن است در نظام‌های حقوقی مختلف، متفاوت باشند.

۴. سهام‌داران شرکت را می‌توان از ابعاد گوناگونی مانند میزان تملک سهام (سهام‌داران اکثریت و اقلیت) و نوع سهام (سهام‌داران عادی و ممتاز) دسته‌بندی کرد.

## 5. Shareholder protection

۶. در این زمینه، به طور کلی، نک:

Study on Minority Shareholders Protection – Final Report, European Commission, Publication Office of the European Union, 2018. Available at: <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/1893f7b8-93a4-11e8-8bc1-01aa75ed71a1/language-en>, last visited on May 29, 2020; Goo, S H (1994).

برای مطالعه تطبیقی حمایت از سهام‌داران در حقوق ایالات متحده، آلمان و استرالیا، برای نمونه، به ترتیب نک:

Braendle, Udo (2006); Anderson, Helen et al. (2012).

## 7. Share dilution

مختلف در زمینه حقوق شرکت‌ها نشان می‌دهد سهام‌داران شرکت می‌توانند در موارد نقض این حقوق، علیه شرکت، ارکان حاکمیتی آن و یا اشخاص ثالث متخلف طرح دعوا کنند (Gelster, 2018: 4-6). دعای مزبور سازوکار حقوقی اصلی موجود به منظور دفاع از حقوق ناشی از سهام‌داری، و عملیاتی کردن حمایت از سهام‌داران به شمار می‌روند. بنابراین، نظام‌های حقوقی گوناگون طیف متنوع و گسترده‌ای از دعای را جهت حمایت از سهام‌داران پیش‌بینی کرده‌اند که البته، ارکان، اسباب، محدوده و شرایط اقامه و اثبات هر یک در نظام‌های حقوقی مختلف، متفاوت است.<sup>۱</sup> دعای سهام‌داران بابت خسارات انعکاسی که دعای غیرمستقیم نیز خوانده می‌شود، از جمله دعای سهام‌داران به شمار می‌رود که موضوع اصلی مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. چنان‌که در ادامه به تفصیل بررسی خواهد شد، مقصود از خسارات انعکاسی، خساراتی است که در نتیجه ورود زیان به شرکت بر سهام‌داران شرکت تحمیل می‌شود و خود را در قالب عدم تعلق (تفویت) سود سهام یا کاهش ارزش سهام آن‌ها نشان می‌دهد (McLaughlin, Susan, 2013: 322). به بیان دیگر، خسارات انعکاسی به معنای خسارات وارده به سهام‌داران در نتیجه زیان‌های وارده به شرکت است که در کاهش بازدهی یا ارزش سهام ایشان منعکس می‌شود (De Jong, Bas J: 2013: 2). آیا سهام‌داران می‌توانند به منظور جبران این خسارات مستقیماً علیه شخص زیان‌زننده اقامه دعوا کنند؟ این پرسش اصلی است که مقاله حاضر در پی پاسخ به آن است و می‌کوشد چستی، مبانی و قلمرو دعای مطالبه خسارات انعکاسی را در حقوق شرکت‌ها و به‌ویژه در پرتو رویه‌های قضایی مرتبط به دست دهد. صدور رأی دیوان عالی انگلستان در قضیه «سویلیا» به تاریخ ۱۵ جولای ۲۰۲۰ میلادی، آخرین تحول قضایی ناظر بر دعای خسارات انعکاسی است که در مقاله حاضر به آن پرداخته شده است.

از دلایل اهمیت این پژوهش همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که در منابع نظام حقوقی ایران از جمله قوانین و مقررات مربوطه و همچنین رویه قضایی، به جواز یا ممنوعیت دعای مطالبه خسارت انعکاسی اشاره‌ای مستقیم نشده و از این مفهوم تحت عنوان خسارات انعکاسی در کتب و مقالات پژوهشی فارسی‌زبان نیز نشانی یافت نمی‌شود. با این حال، مقاله حاضر می‌کوشد با توسل به اصول حقوق شرکت‌ها و قواعد مسئولیت مدنی و آیین دادرسی مدنی در ایران، این نوع دعوی را در نظام حقوقی ایران نیز امکان‌سنجی کند. بدین منظور نخست انواع دعای سهام‌داران در حقوق شرکت‌ها معرفی شده و سپس دعای خسارات انعکاسی به‌طور خاص در نظام کامن‌لا به‌ویژه

۱. برای نمونه، به منظور مطالعه تطبیقی دعای سهام‌داران در حقوق ایالات متحده و استرالیا، نک:

DeMott, Deborah A. (1986).

انگلستان که می‌توان از آن به‌عنوان زادگاه این بحث یاد کرد و همچنین در نظام حقوق نوشته از جمله ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

### ۱. انواع دعاوی سهام‌داران در حقوق تطبیقی شرکت‌ها

دعاوی سهام‌داران را می‌توان از منظر گوناگونی دسته‌بندی کرد.<sup>۱</sup> در یک دسته‌بندی مرسوم و البته مرتبط با این نوشتار، دعاوی سهام‌داران به دعاوی مستقیم (شخصی)، مشتق (نمایندگی) و غیرمستقیم (خسارات انعکاسی) تقسیم می‌شوند. مبنای تقسیم دعاوی سهام‌داران به این سه دسته، ذی‌نفع اصلی دعوا، ماهیت حق مورد ادعا و نوع خسارات مورد مطالبه است. توضیح آنکه دعاوی سهام‌داران در برخی موارد به نام و برای احقاق حقوق خود سهام‌داران اقامه می‌شود. در این‌گونه موارد، حقوق سهام‌داران به‌صورت مستقیم مورد تضییع واقع شده و بنابراین، دعوا مستقیم و شخصی است و سهام‌دار در آن نفع شخصی دارد. در مقابل، چنانچه در نتیجه اقدامات متخلفانه یا نقض وظایف از سوی مدیران یا اشخاص ثالث خساراتی متوجه شرکت شود، سهام‌دار می‌تواند از طریق دعاوی مشتق یا نمایندگی اقدام به طرح دعوا از جانب و به نمایندگی از شرکت نماید. چنان‌که ملاحظه می‌شود، ذی‌نفع اصلی این نوع دعوا، نه سهام‌دار، بلکه شخصیت حقوقی شرکت است که سهام‌دار به نمایندگی از آن اقدام می‌کند. تفکیک دعاوی سهام‌داران به دعاوی مستقیم و غیرمستقیم را می‌توان تقریباً در همه نظام‌های حقوقی ملاحظه کرد (Fleischer, Holger, 2018: 875). در این میان، دعاوی غیرمستقیم یا مطالبه خسارات انعکاسی وضعیت ویژه‌ای دارند و از مفاهیم حقوق شرکت‌های انگلستان به شمار می‌روند. در مباحث آتی نشان داده خواهد شد که در دعاوی مذکور حقوق سهام‌داران شرکت به‌طور مستقیم مورد تضییع قرار نمی‌گیرد. بدین معنا که حقوق ناشی از سهام‌داری ایشان به‌صورت شخصی نقض نمی‌شود. حق مورد مطالبه متعلق به شرکت بوده و شخصی که متحمل ضرر و زیان شده نیز شرکت است. با این حال دعوا به نام و حساب سهام‌دار، و نه به نمایندگی از شرکت، اقامه می‌شود و ذی‌نفع دعوا نیز خود سهام‌دار است.

#### ۱-۱. دعاوی مستقیم (شخصی)

دعوی مستقیم رأساً توسط سهام‌دار و به نام خود او در جایگاه خواهان اقامه می‌شود و سهام‌دار در آن نفع شخصی دارد. دعاوی مستقیم اصولاً ناظر به حقوق شخصی سهام‌داران است. مقصود از «حقوق شخصی سهام‌داران»<sup>۲</sup> حقوق و امتیازات متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی صاحب سهام

۱. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه، نک:

Chen, Wenjing (2017); Erickson, Jessica et al. (eds.) op. cit. p. 4.

2. Personal rights of shareholders.

در شرکت به‌عنوان سهام‌دار است که به‌واسطه تملک سهام به ایشان تعلق می‌گیرد. این حقوق را که گاه حقوق اختصاصی یا انفرادی سهام‌داران نیز نامیده شده، حتی با تصمیم ارکان شرکت نیز نمی‌توان نقض کرد (اسکینی، ۱۳۹۲: ۹۳). با توجه به تفکیک و استقلال شخصیت حقوقی شرکت و شرکا، حقوق شخصی سهام‌داران متفاوت از حقوق متعلق به شرکت به‌عنوان شخص حقوقی می‌باشد.<sup>۱</sup>

بنابراین، در یک توصیف مقدماتی از دعاوی مستقیم باید گفت یکی از اهداف نظام‌های حقوقی از پیش‌بینی این نوع دعاوی، فراهم کردن امکانی برای مقابله با نقض حقوقی است که به‌موجب قانون و اساسنامه شرکت، به سهام‌داران اعطا شده است. البته قلمرو دعاوی مستقیم محدود به حقوق اساسنامه‌ای سهام‌دار نیست و نقض حقوق قراردادی وی نیز، مثلاً حقوق ناشی از قرارداد سهام‌داران<sup>۲</sup> می‌تواند مبنای دعاوی مستقیم سهام‌دار قرار گیرد (Dignam, Lowry, 2012: 191). همچنین، قلمرو این نوع دعاوی صرفاً محدود به موارد نقض حقوق ناشی از سهام‌داری نیست و تخلف از تشریفات قانونی در انجام امور و اتخاذ تصمیمات ارکان شرکت نیز می‌تواند مبنای دعاوی مستقیم واقع شود. کما اینکه در بسیاری از نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی (برای نمونه، ماده ۲۴۱ قانون شرکت‌های سهامی آلمان، ماده ۸۰۸ قانون تعهدات سوییس، مواد ۴۱ تا ۴۴ قانون شرکت‌های با مسئولیت محدود اتریش، و ماده L. 235-1 قانون تجارت فرانسه) سهام‌داران اقلیت می‌توانند علیه تصمیمات ارکان شرکت که برخلاف قانون یا اساسنامه شرکت اتخاذ شده باشند، دعاوی ابطال مطرح نمایند (Fleischer, 2018: 874) و بخش عمده‌ای از دعاوی اقامه‌شده توسط سهام‌داران را نیز همین نوع دعاوی مستقیم تشکیل می‌دهد (Fleischer, 2018: 857). به‌موجب ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت ایران نیز «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد، رعایت نشود، حسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع، بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد.» همچنین مطابق با ماده ۲۷۳ همین لایحه، «در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات شرکت، کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است.» بنابراین، دعاوی ابطال تصمیمات مجامع و هیئت مدیره و متعاقب آن، دعاوی مطالبه خسارات ناشی از بطلان از جمله مهم‌ترین دعاوی مستقیم بوده و از نیرومندترین سازوکارهای حقوقی حمایت از سهام‌داران اقلیت به شمار می‌رود.

۱. نک: مواد ۵۸۳ و ۵۸۸ قانون تجارت ایران.

2. Shareholders Agreement (SHA).

## ۲-۱. دعاوی مشتق (نماینده‌گی)

یکی از پیامدهای دکترین تفکیک شخصیت حقوقی، برخورداری شرکت از اهلیت عام، و امکان اقامه دعوا له و علیه آن است. بنابراین، شرکت می‌تواند به‌عنوان شخص حقوقی به‌منظور استیفای حقوق خود علیه دیگر اشخاص مبادرت به طرح دعوا نماید. اصل تفکیک حقوقی شرکت از شرکا و سهام‌داران متضمن دو پیامد در زمینه دعاوی و اهلیت اقامه آن‌ها است. نخست، سهام‌داران نمی‌توانند به‌جای شرکت طرح دعوا کنند و تنها این شرکت است که در دعاوی خود ذی‌نفع است (پاسبان، ۱۳۹۴: ۳۴). دوم، با توجه به صلاحیت ارکان حاکمیتی شرکت (معمولاً هیئت مدیره) در رابطه با مدیریت دعاوی و امور حقوقی شرکت، سهام‌داران اصولاً نمی‌توانند به نمایندگی از شرکت و به حساب آن دعوایی را آغاز نمایند. علت این ممنوعیت، رعایت ساختار حاکمیتی شرکت، و پیشگیری از تعدد و توازی دعاوی است. تصمیم‌گیری در ارکان شرکت به علت ملاحظات عملی، مبتنی بر قاعده اکثریت است. صاحبان سهام البته می‌توانند نظر مخالف خود را نسبت به کلیه تصمیمات از طریق رأی منفی به آن‌ها ابراز کنند. چنانچه تصمیم مذکور مورد تأیید اکثریت مقتضی در هریک از مجامع قرار گیرد، برای سهام‌داران مخالف نیز الزام‌آور خواهند بود. لذا قاعده اکثریت، اصلی فراگیر در حقوق شرکت‌ها بوده و مبنای بسیاری از ابعاد عملیات حقوقی شرکت است.

به‌رغم مراتب و ملاحظات فوق، رعایت بی‌قید و شرط قاعده اکثریت متضمن دو پیامد نامطلوب برای شرکت و مجموعه سهام‌داران آن است. نخست، این قاعده زمینه را برای تجمیع قابل توجه قدرت توسط کنترل‌کنندگان هیئت مدیره یا مجامع عمومی فراهم می‌کند. به‌ویژه در مواردی که توزیع سهام پراکنده است و سهام‌داران خرد تمایل یا انگیزه‌ای برای رأی در مجامع ندارند، سهام‌داران عمده می‌توانند حتی بدون در اختیار داشتن اکثریت مطلق سهام، کنترل مجامع را به دست گیرند. این امر به‌ویژه سهام‌داران اقلیت را در موقعیت ضعیفی قرار می‌دهد. دوم و مهم‌تر، ممکن است در نتیجه اقدامات اشخاص کنترل‌کننده شرکت یعنی مدیران، ضرر و زیانی به شرکت وارد شود. سرانجام، مدیران ممکن است در این شرایط به علت تعارض منافع خود با شرکت از اقامه دعوا علیه اشخاص زیان‌زننده امتناع نمایند و از این رهگذر، سایر ذی‌نفعان، به‌ویژه سهام‌داران اقلیت را نیز متضرر نمایند. البته در صورت پیش‌بینی قانونی، سهام‌داران اکثریت می‌توانند در قالب مجامع عمومی تصمیم به اقامه دعوا علیه مدیران بگیرند. مشکل اصلی اما آنجایی بروز می‌یابد که مدیران خطاکار، سهام‌داران اکثریت شرکت نیز باشند (عیسانی تفرشی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۸). از سوی دیگر، تعهدات مدیران در انجام وظایف خود نه در قبال سهام‌داران، بلکه در مقابل شرکت است (Bourne, 1998: 135). لذا سهام‌داران به علت فقدان نفع مستقیم، اصولاً نمی‌توانند در نتیجه نقض تعهدات مذکور رأساً و از

جانب خود علیه مدیران اقامه دعوا نمایند.

نظام‌های حقوقی به‌منظور حمایت از سهام‌داران در مقابل مدیران در چنین شرایطی، سازوکاری تحت عنوان «دعوی مشتق»<sup>۱</sup> یا «دعوی نمایندگی»<sup>۲</sup> پیش‌بینی کرده‌اند که به سهام‌داران اجازه می‌دهد جهت حمایت از شرکت، علیه مدیران خطاکار دست به اقدام حقوقی بزنند (Hill, 2000: 396; Dine, 1999: 59). هدف از دعوی مشتق، کمک به سهام‌داران اقلیتی است که با قرار گرفتن در این وضعیت، می‌خواهند از حقوق شرکت دفاع نمایند (McLaughlin, 2013: 312). به بیان دیگر، ملاحظه و استدلال اصلی که در دفاع از پیش‌بینی دعوی مشتق مطرح می‌شود، بهبود چالش‌های ناشی از رابطه اصیل - وکیل میان سهام‌داران و مدیران شرکت بوده و دعوی مشتق از ابزارهای مهم حقوقی است که در نظام‌های حقوقی گوناگون در اختیار سهام‌داران قرار گرفته تا به احقاق حقوق شرکت در برابر مدیران متخلف برخیزند (Reisberg, 2009: 20-24). بدین لحاظ، اسباب دعوی مشتق ناظر به رفتار متخلفانه مدیران است.

با توجه به مراتب بالا، سهام‌داران در بسیاری از نظام‌های حقوقی مختلف از جمله انگلستان،<sup>۳</sup> ایالات متحده (Wrbka, et al. (eds.) 2012: 97)، آلمان،<sup>۴</sup> فرانسه<sup>۵</sup> و ژاپن<sup>۶</sup> می‌توانند تحت شرایطی علیه مدیران و از جانب شرکت دعوی مشتق مطرح نمایند. برای نمونه، در حقوق انگلستان محدوده این دعوی ناظر به فعل یا ترک فعل بالفعل یا احتمالی است که از قصور، غفلت، ترک وظایف یا نقض وظایف امانی مدیران نشئت می‌گیرد (پاسبان، جهانیان، ۱۳۹۲: ۱۰۵). در حقوق ایران نیز سهام‌داران می‌توانند بابت «تخلف و تقصیر» مدیران، به نام و از طرف شرکت دست به طرح دعوا علیه مدیران بزنند. این نوع دعوا در نظام حقوقی ایران به‌موجب ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت پیش‌بینی شده است. مطابق این ماده، «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آن‌ها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود، علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوا نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آن‌ها مطالبه

1. Derivative claims or suits.

2. Representative claims

۳. ماده ۲۶۰ تا ۲۶۹ قانون شرکت‌های انگلستان مصوب ۲۰۰۶.

۴. ماده ۱۴۷ قانون شرکت‌های سهامی آلمان مصوب ۱۹۶۵ با اصلاحات بعدی.

۵. ماده ۲۵۲-۲۲۵ I. قانون تجارت فرانسه.

۶. ماده ۸۴۷ قانون شرکت‌های ژاپن مصوب ۲۰۰۵ (قانون شماره ۸۶/۲۰۰۵).

کنند.» ارکان دعوای مشتق در نظام‌های مختلف اصولاً یکسان است: سهام‌دار بودن خواهان، تخلف مدیران از ایفای تعهدات و انجام وظایفی که در مقابل شرکت تعهد نموده‌اند، و تعلق غرامات حاصله به شرکت و نه سهام‌دار.<sup>۱</sup> برخی حقوق‌دانان ایرانی به درستی ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی را با توجه به موجود بودن سه رکن دعوای مشتق در آن، مطابق با تعریف این‌گونه از دعوای دانسته‌اند<sup>۲</sup> هرچند برخی دیگر آن را مصداق دعوای غیر مستقیم برشمرده‌اند (اسکینی، ۱۳۹۲: ۲۱۴) که با تعاریف ارائه شده در نوشتار حاضر، مطابقت ندارد.

### ۳-۱. دعوای غیر مستقیم (خسارات انعکاسی)

به موجب اصول کلی حقوق مسئولیت مدنی، در مواردی که دو شخص، «الف» و «ب»، در نتیجه اقدام شخص ثالثی، «ج»، متحمل ضرر و زیان می‌شوند، چنانچه اقدام مزبور ناقض تعهدات قراردادی یا غیر قراردادی «ج» در برابر «الف» بوده باشد، قانون سبب دعوایی را در اختیار «الف» قرار می‌دهد تا با اقامه دعوا علیه «ج»، خسارات وارده به خود را جبران کند. همچنین در صورتی که اقدام نامبرده ناقض تعهد «ج» در برابر «ب» نیز بوده باشد، «ب» نیز هم‌زمان از سبب دعوا علیه «ج» برخوردار خواهد بود. در این وضعیت، هر دوی «الف» و «ب» می‌توانند ضمن رعایت مقررات آیین دادرسی مربوطه، علیه «ج» اقامه دعوا کنند و «ج» معمولاً متعهد خواهد بود زیان‌های وارده به هر دوی ایشان را جبران نماید.<sup>۳</sup> در مواردی ممکن است دعوای «الف» و «ب» به هم پیوسته باشد به این معنا که خسارات وارده به «ب»، فرع بر ورود خسارت به «الف» بوده و پرداخت خسارت توسط «ج» به «الف»، در عمل موجب می‌شود زیان وارده به «ب» نیز جبران شود.<sup>۴</sup> در این‌گونه موارد نیز

۱. برای نمونه، نک: ماده ۲۶۰ قانون شرکت‌های انگلستان مصوب ۲۰۰۶ و ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

۲. برای بررسی بیشتر نک: دمرچیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸۰؛ همچنین، پاسبان و جهانیان، ۱۳۹۲: ۱۰۱.

۳. چنانچه «الف» علیه «ج» اقامه دعوا کرده و او را محکوم به پرداخت غرامت کند، و مدتی بعد «ب» نیز به دنبال حکمی مشابه علیه «ج» بوده اما «ج» توانایی پرداخت را از دست داده باشد، «ب» عملاً شانس وصول محکوم‌به را از دست خواهد داد. با این حال چنانچه «ج» در زمان اقامه دعوای نخست، ورشکسته باشد، حقوق ورشکستگی با ایجاد ترتیبات مربوطه (از جمله دعوت از بستانکاران و تشکیل صفوف غرما) از دعوای هر دوی «الف» و «ب» و توزیع منصفانه دارایی‌های «ج» میان ایشان حمایت خواهد کرد.

۴. برای نمونه، در صورتی که شخص ثالث خساراتی را مثلاً از طریق تخریب به یک عین مستأجره وارد کند، هر دوی مؤجر و مستأجر دارای سبب دعوای مستقل علیه وی شده و می‌توانند به منظور جبران خسارات، اقامه دعوا نمایند. با این حال، دعوای مؤجر و مستأجر به هم پیوسته است و در صورت جبران خسارات وارده به هر یک، خسارات وارده به دیگری نیز جبران خواهد شد. جهت ملاحظه نمونه‌هایی دیگر از این‌گونه دعوای در حقوق انگلستان، نک:

Liverpool No 2 (1963); Alfred McAlpine Construction Ltd v Panatown Ltd (2001).



اصولاً دلیلی وجود ندارد که هر دو شخص «الف» و «ب» از سبب دعوی مستقل علیه «ج» برخوردار نباشند و نتوانند این اسباب دعوا را جدای از یکدیگر و هم‌زمان به جریان بیندازند. علی‌رغم این قواعد کلی، چنانچه «الف» یک شرکت، و «ب» سهام‌دار آن باشد و در نتیجه ورود خسارت به شرکت توسط «ج»، ارزش یا سودآوری سهام متعلق به «ب» کاهش یابد، سهام‌دار دعوی مستقلی از شرکت علیه «ج» نخواهد داشت تا برای جبران این کاهش ارزش یا سودآوری سهام خود، جداگانه اقدام کند. دعوی سهام‌دار در این‌گونه موارد اصطلاحاً دعوی خسارات انعکاسی نامیده شده و محکوم به رد است. سرمایه‌گذاری اشخاص در شرکت‌ها از طریق تملک سهام انجام می‌شود و بنابراین، سوددهی و ارزش سهام نقشی اساسی در میزان موفقیت این سرمایه‌گذاری داراست. با این همه، ارزش سهام در اغلب موارد تابع مستقیمی از موفقیت اقتصادی شرکت به‌طور کلی، و میزان دارایی مثبت (اموال) شرکت است. از همین رو، در موارد ورود ضرر و زیان به شرکت، و به‌ویژه در مواقعی که ضرر و زیان مزبور از ارزش اموال شرکت به‌نحو قابل توجهی می‌کاهد، سهام‌داران شرکت نیز هم‌زمان از طریق ناتوانی سهام از سوددهی یا کاهش ارزش آن، متضرر می‌شوند که در واقع «انعکاسی» از خسارات وارده به شرکت است (Dignam; Lowry, 2012: 191). با توجه به ماهیت غیرمستقیم خسارات وارده به سهام‌دار از این بابت، دعوی خسارات انعکاسی را دعوی غیرمستقیم نیز می‌نامند. نظام‌های حقوقی گوناگون نیز تمایزی اساسی میان خسارات مستقیم وارده به شرکت و خسارات انعکاسی سهام‌داران که در ادامه به تفصیل بررسی خواهند شد قائل شده‌اند (Fleischer, 2018: 875).<sup>۱</sup>

## ۲. دعوی خسارات انعکاسی در نظام کامن‌لا

در این بخش دعوی خسارات انعکاسی در حقوق انگلستان و ایالات متحده آمریکا از نمایندگان اصلی نظام کامن‌لا، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پیش از آغاز لازم به ذکر است که از آنجا که مفهوم دعوی مطالبه خسارات انعکاسی اساساً از ابتکارات نظام حقوقی انگلستان محسوب می‌شود، دعوی مذکور در مقایسه با دیگر نظام‌های حقوقی، نزد حقوق‌دانان و دادگاه‌های انگلستان بیشتر مورد استناد و بررسی واقع شده است.<sup>۲</sup>

1. See also: Joffe, Victor et al. (2008), secs. 1.01-1.03.

۲. در این زمینه، به‌طور کلی نک:

Shapira, Gioba (2003); Buckle, Paul (2010); Lowe, Tom (2014); Steinfeld, Alan (2016); Goo, S H (2010); Spotorno, Agustín (2018); Koh, Pearlle, (2011).

## ۲-۱. انگلستان: اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی

### ۲-۱-۱. معرفی

دعای غیرمستقیم سهام‌داران به‌موجب اصل «ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی»<sup>۱</sup> که از قواعد شناخته‌شده حقوق شرکت‌ها در انگلستان محسوب می‌شود، ممنوع دانسته شده است. علی‌رغم سکوت قوانین موضوعه انگلستان در خصوص جواز یا ممنوعیت این نوع دعوی، رویه قضایی این کشور در رابطه با ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی تردید ندارد.<sup>۲</sup> ریشه‌های اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی در حقوق انگلستان را باید در قاعده «خواهان مناسب»<sup>۳</sup> جست‌وجو کرد (Hannigan, Brenda 2012: 440). به‌موجب این قاعده که در قضیه مشهور و قدیمی «فاس هارباتل»<sup>۴</sup> مورد شناسایی دادگاه‌های انگلستان قرار گرفته است، سهام‌داران نمی‌توانند در خصوص سبب دعوی متعلق به شرکت، اقامه دعوا نمایند. به عبارت دیگر، خواهان مناسب در دعوی مطالبه خسارت علیه شخص متخلف و زیان‌زننده به شرکت، خود شرکت است. این قاعده که به‌طور گسترده در رویه قضایی انگلستان پذیرفته شده بود،<sup>۵</sup> در قضیه «پرودنشال» سنگ بنای استدلال دادگاه تجدیدنظر برای اعلام ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی قرار گرفت. به باور دادگاه در این قضیه که برای نخستین بار به دعوی یک سهام‌دار برای مطالبه این نوع خسارات می‌پرداخت، «سهام‌دار نمی‌تواند بابت کاهش ارزش سهام خود یا کاهش عواید ناشی از سهام‌داری<sup>۶</sup> که صرفاً در نتیجه ضرر و زیان وارده به شرکت ایجاد شده، علیه شخص متخلف (زیان‌زننده) دست به طرح دعوی مستقل از شرکت بزند حتی چنانچه اقدام طرف زیان‌زننده علاوه بر ایراد زیان به شرکت، تخلف علیه سهام‌دار نیز محسوب شده و حتی چنانچه شرکت خود اقدامی برای مطالبه خسارات نکرده باشد» (Prudential Assurance v Newman (1982), para. 204). تازه‌ترین موضع رویه قضایی انگلستان پیرامون ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی را می‌توان در رأی دیوان عالی این کشور در قضیه «سویلیا» مورخ ۱۵ جولای ۲۰۲۰ مشاهده نمود.<sup>۷</sup> چنان‌که در ذیل توضیح داده خواهد شد، دیوان عالی در این قضیه بخش مهمی از رویه قضایی پیشین در خصوص قلمرو ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی را ابطال کرد، اما علی‌رغم تنقیح مذکور، خود اصل را حفظ نمود.

1. No reflective loss principle.

2. *Rushmer v Mervyn Smith* (2009); *Gaetano Ltd v Obertor Ltd* (2009).

3. The proper claimant rule.

4. *Foss v Harbottle* (1843).

5. *Macdougall v Gardiner*, (1875); *Burland v Earle* (1902); *Mozley v Alston*, (1847); *Macaura v Northern Assurance co Ltd*. (1925).

6. Distributions

7. *Sevilleja v Marex Financial Ltd* (2020).

## ۲-۱-۲. مبانی

دادگاه تجدیدنظر در قضیه «پرودنشال» استدلال محوری خود در مخالفت با مطالبه خسارات انعکاسی از سوی سهام‌داران را بر ماهیت غیرشخصی خسارات وارده به سهام‌دار و قاعده خواهان مناسب (قضیه فاس هارباتل) بنا نهاد. به باور دادگاه «پرودنشال»، «سهام‌دار در این‌گونه موارد متحمل خسارات شخصی و مستقیم نمی‌شود» (Prudential Assurance v Newman (1982), (para. 210) و «تنها زیان وارده به سهام‌دار از طریق شرکت و در نتیجه کاهش خالص دارایی آن است». گفتنی است با توجه به تفکیک شخصیت حقوقی و دارایی شرکت از سهام‌داران و شرکا،<sup>۱</sup> حق اشخاص اخیر در شرکت حق دینی است (فرحناکیان، ۱۳۹۸: ۷۳۱). بنابراین، سهام‌داران حق مستقیم و عینی نسبت به اموال شرکت ندارند و منافع ایشان در شرکت، به اندازه میزان سهام آن‌ها است.<sup>۲</sup> دادگاه تجدیدنظر در قضیه «پرودنشال» با در نظر داشتن همین تفکیک مقرر نمود «سهام متعلق به خواهان تنها حاکی از حق مشارکت وی در شرکت طبق اساسنامه بوده و حق مذکور در نتیجه اقدام متخلفانه [در موارد دعوی خسارت انعکاسی]، مورد تضییع قرار نمی‌گیرد» (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 223). برخی نویسندگان نیز در همین راستا، ماهیت غیرمستقیم خسارات وارده به سهام‌دار در این موارد را علت اصلی ممنوعیت مطالبه خسارات مذکور دانسته‌اند (Sealy, Worthington, 2010: 673). البته نمی‌توان گفت در این موارد هیچ‌گونه زیان شخصی به سهام‌دار وارد نشده، چراکه بالاخره ارزش سهام متعلق به وی، که از اموال او محسوب می‌شود، کاهش یافته است. با این حال، قانون این ضرر و زیان را به‌عنوان یک زیان مستقل و جدا از زیان وارده به شرکت شناسایی نمی‌کند و به همین علت، سبب دعوی مستقلی نیز برای سهام‌دار در قبال آن ایجاد نمی‌شود (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 28).

دومین مبنای استدلالی پذیرش ممنوعیت خسارات انعکاسی در قضیه «پرودنشال»، قاعده خواهان مناسب و لوازم این قاعده است. چنان‌که در این قضیه و در دیگر قضایا<sup>۳</sup> توضیح داده شده، قاعده خواهان مناسب دارای دو وجه است. نخست آنکه «خواهان مناسب در دعوی مربوط به تخلف علیه شرکت، در وهله اول، خود شرکت است.» یکی از پیامدهای این جنبه از قاعده آن است که سهام‌دار علی‌الاصول نمی‌تواند به‌منظور دریافت خسارات قابل پرداخت به شرکت بابت ضرر و

۱. در خصوص دکترین تفکیک شخصیت حقوقی و نتایج آن، نک:

Ireland, et al. (1987), pp. 149-150; see also Davies, Worthington, (2016).

۲. ماده ۲۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت.

3. Edwards v Halliwell (1950) 2 All ER 1064.

زیان وارده به شرکت، اقامه دعوا نماید (Prudential Assurance v Newman (1982), para. 210). دومین جنبه از قاعده خواهان مناسب، لزوم رعایت اقتضانات حاکمیت شرکتی است، بدین معنا که مدیریت امور شرکت به ارکان حاکمیتی آن (که به استناد اساسنامه شرکت ایجاد شده‌اند) سپرده شده است. بنابراین، هنگامی که سهامدار مبادرت به سرمایه‌گذاری در شرکت می‌کند، حق تصمیم‌گیری در خصوص شیوه حمایت از سرمایه‌گذاری خود را به شرکت، یعنی اکثریت سهامداران واجد حق رأی در مجمع عمومی آن، واگذار می‌کند. در واقع، سهامدار با سرمایه‌گذاری در شرکت، ریسک کاهش ارزش سهام خود به علت عملیات شرکت را می‌پذیرد و جبران آن را برعهده ارکان حاکمیتی و اقدام خود شرکت علیه اشخاص زیان‌زننده به شرکت می‌سپارد. از جمله مفاهیم اصلی حاکمیت شرکتی، «پابندی به فرایندهای تصمیم‌سازی درون شرکت» و «رفتار برابر با سهامداران» است و تجویز دعوی خسارات انعکاسی با هر دو تناقض آشکار دارد. اینکه هر یک از سهامداران بتوانند بابت ضرر وارده به شرکت اقدام به طرح دعوی مستقل به نام و حساب خود کنند، به منزله نادیده انگاشتن الزام‌آوری و نقض همه فرایندهایی است که نه تنها برای سهامداران، بلکه برای خود ارکان شرکت نیز لازم‌الاجرا است. به علاوه، چنانچه هر یک از سهامداران مستقل از شرکت قادر به طرح دعوا و مطالبه خسارت باشد، غرامات پرداختی بابت خسارت وارده به شخصیت حقوقی شرکت، تنها به سهامدار خواهان دعوا تعلق گرفته و سایر سهامداران متضرر خواهند شد. این در حالی است که رعایت رفتار یکسان با همه سهامداران یکی از مهم‌ترین اصول حاکمیت شرکتی به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> پابندی به اصول حاکمیت شرکتی در دکتین نیز از مبانی ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی از سوی سهامداران دانسته شده است (Davies, Worthington, 2016: 625).

با این همه می‌توان پرسید اگر شرکت از طرح دعوی که به نظر سهامداران باید اقامه و تعقیب شود، سر باز زند، یا دعوی خود را به میزانی کمتر از آنچه سهامداران قبول دارند، مصالحه کند، آیا دعوی مستقل سهامداران همچنان ممنوع خواهد بود؟ رویه قضایی انگلستان به این پرسش، پاسخ مثبت داده است: دوم، تصمیم‌سازی راجع به این موارد به استناد اساسنامه و قانون در هر حال به اکثریت سهامداران سپرده شده که صلاحیت خود را از طریق ارکان حاکمیتی شرکت به اجرا می‌گذارند و سهامدار تنها می‌تواند از طریق رأی خود در مجامع عمومی، بر این تصمیم‌سازی تاثیر بگذارد (Prudential Assurance v Newman (1982), p. 224). سهامدار اقلیت نیز می‌تواند در صورت ادعای نقض تعهدات مدیران، از طریق سازوکارهای دعوی مشتق و «رفتار غیر منصفانه»

1. G20/OECD Principles of Corporate Governance, OECD Publishing, Paris, 2015, Principle II.

بهره‌مند شود و از جمله خواستار انحلال شرکت شود.<sup>۱</sup> اما اگر از اختیارات مدیریتی شرکت سوءاستفاده نشده و اکثریت سهام‌داران تصمیم شرکت مبنی بر عدم طرح یا تعقیب دعوا و یا مصالحه آن را تنفیذ کنند، دعوی سهام‌دار ممنوع خواهد بود.

مجلس اعیان (دیوان عالی) انگلستان پس از قضیه «پرودنشال»، توجیحات دیگری را برای رد دعوی سهام‌داران در هر زمان که شرکت دارای دعوی هم‌زمان با سهام‌دار بود مطرح کرد که در قضایای بعدی موجب توسیع قلمرو اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی گردید. مجلس اعیان در قضیه «جانسون»<sup>۲</sup> که در ادامه تأثیر قابل توجهی بر رویه قضایی انگلستان گذاشت،<sup>۳</sup> ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی را اساساً مبتنی بر لزوم اجتناب از جبران مضاعف به ضرر طرف دعوا (خواننده) دانست. از نظر لرد میللت<sup>۴</sup> در قضیه مذکور، تجویز مطالبه خسارات انعکاسی برای سهام‌داران منجر به دو پیامد غیرقابل قبول خواهد شد: نخست، در صورت اقامه دعوا و دریافت خسارت توسط شرکت و نیز سهام‌دار آن، طلبکاران شرکت و سایر سهام‌داران از اقدام سهام‌دار متضرر نخواهند شد، اما طرف دعوا (خواننده) ناگزیر خواهد بود بابت یک اقدام متخلفانه، دو بار غرامت بپردازد که از آن به‌عنوان «جبران مضاعف»<sup>۵</sup> یاد می‌شود (Johnson v Gore Wood (2002), para. 62). دوم، چنانچه به‌منظور اجتناب از جبران مضاعف به زیان خواننده، صرفاً سهام‌دار بتواند مطالبه خسارت کند، خود شرکت از دریافت غرامت محروم شده و در نتیجه بستانکاران و سایر سهام‌داران شرکت متضرر خواهند شد. به بیان دیگر، چنانچه سهام‌دار بتواند پیش از شرکت خسارات مربوطه را دریافت کند، عملاً از اموال شرکت استفاده کرده و آن را به زیان سایر سهام‌داران و بستانکاران شرکت، از عداد دارایی شرکت خارج نموده است، درحالی که طلبکاران می‌توانند تنها علیه شرکت، و نه سهام‌داران آن اقامه دعوا نمایند (Davies, Worthington, 2016: 625).

با وجود نیرومندی استدلال مبتنی بر منع جبران مضاعف، دیوان عالی در قضیه «سویلیا» اعلام

۱. در نظام‌های کامن‌لا، علاوه بر پیش‌بینی امکان طرح دعوی مستقیم در نتیجه نقض حقوق سهام‌داران، سازوکار ویژه‌ای برای حمایت از منافع آن‌ها نیز به طور خاص مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. برای نمونه، در حقوق انگلستان در صورت «تبعیض غیر منصفانه» (unfair prejudice) علیه منافع سهام‌دار اقلیت طی انجام امور شرکت، سهام‌دار می‌تواند نزد دادگاه اقامه دعوا نماید. این نوع دعوی اصطلاحاً به عنوان «دعوی تبعیض ناروا» (unfair prejudice suit) شناخته می‌شوند. در این زمینه نک:

McLaughlin, Susan, 2013: 321.  
 2. Johnson v Gore Wood (2002).  
 3. Gardner v Parker (2004).  
 4. Lord Millett.  
 5. Double recovery.

کرد مبنای مذکور در مجموع برای توجیه ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی کافی نیست و منجر به پیامدهای غیرقابل قبولی می‌شود. توضیح آنکه رویه قضایی انگلستان دعوی غیرمستقیم سهام‌دار را حتی در مواردی که شرکت از اقامه دعوا علیه شخص متخلف خودداری کرده یا دعوی خود را به میزانی کمتر مصالحه کرده باشد نیز مردود دانسته است. به عقیده لرد بینگهام<sup>۱</sup> در قضیه «جانسون»، «حتی در صورتی که شرکت با اقدام از طریق ارکان حاکمیتی خود از اقامه دعوا امتناع نموده یا در دعوی خود ناکام بوده باشد، سهام‌دار نمی‌تواند بابت خسارات وارده به شرکت دعوی طرح کند» (Johnson v Gore Wood (2002), para. 35F). چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این موارد ریسک جبران مضاعف وجود ندارد، اما دعوی سهام‌دار همچنان مشمول اصل است. زیرا اولاً سبب دعوا اولاً و بالذات متعلق به شرکت، و نه سهام‌دار بوده و استتکاف از اقامه دعوا یا اسقاط آن، موجب ایجاد سبب مستقل دعوا برای سهام‌دار نیست و ثانیاً، خسارات وارده به سهام‌دار در نتیجه کاهش ارزش سهام ماهیتاً غیرمستقیم است و به بیان دیوان عالی در قضیه «سویلیا»، «سهام‌دار متحمل ضرر و زیانی نشده که قانون آن را مستقل از زیان وارده به شرکت، شناسایی کرده باشد.» (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 10). این در حالی است که قاعده منع جبران مضاعف، ورود زیان به سهام‌دار را مفروض می‌گیرد (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 2).

سرانجام، جبران ضرر سهام‌دار از طریق جبران ضرر شرکت با اصل «اقتصاد دادرسی»<sup>۲</sup> هم‌سو است که به اعتقاد برخی نویسندگان، از مبانی موجه ممنوعیت خسارات انعکاسی محسوب می‌شود. اقتصاد دادرسی ایجاب می‌کند دادگاه‌ها از رسیدگی به دعوی تکراری در خصوص موضوع واحد، خودداری نمایند. طرح دعوا از سوی شرکت و نه تک‌تک سهام‌داران به کارآمدی و کارایی فرایند رسیدگی کمک کرده و از طرح دعوی پرهزینه و مشابه که ممکن است منجر به صدور آرای متناقض در خصوص موضوع واحد شود، جلوگیری می‌نماید. در واقع، شرکت می‌تواند با طرح دعوا به نام خود حقوق سهام‌داران را تأمین و موجبات جبران خسارت را فراهم نماید، حال آنکه چنانچه سهام‌داران هر یک دعوی مستقلی اقامه نمایند، نظام قضایی ناچار خواهد بود برای رسیدن به نتیجه یکسان، به صدها یا هزاران دعوا رسیدگی کند. طبق این اصل، دادگاه تنها آن دسته از دعوی را بررسی می‌کند که جهت حل اختلاف ضروری باشد (Bigge, 2017: 17). با توجه به اینکه دعوی طرح شده از سوی شرکت با دعوی مطروحه از سوی سهام‌داران عملاً دارای موضوعات یکسان است، رسیدگی مکرر به این دعوی لزومی ندارد.

1. Lord Bingham.  
2. Judicial Economy.

## ۳-۱-۲. قلمرو

اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی در حقوق انگلستان تا پیش از صدور رأی دیوان عالی در قضیه «سویلیا»، دارای قلمرو نسبتاً گسترده‌ای بود. رأی مذکور به‌ویژه یکی از مهم‌ترین آرای مجلس اعیان در این زمینه یعنی «جانسون» را که با طرح قاعده منع جبران مضاعف به‌عنوان مبنای اصل، تأثیر مهمی در توسیع قلمرو آن طی رویه قضایی بعدی گذارد، ابطال نمود. پس از رأی «جانسون»، قلمرو اصل به‌یک‌باره موسع شد، به‌نحوی که علاوه بر سهام‌داران معمولی، دعای سهام‌دارانی را که در عین حال از کارکنان و بستانکاران شرکت نیز بودند، در بر گرفت (Johnson v Gore Wood (2002), paras. 66-67). این دیدگاه بعداً در قضیه «گاردنر» باز هم توسعه یافت و دادگاه در پرونده مذکور، ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی را به سایر ذی‌نفعان از جمله بستانکاران شرکت نیز توسعه داد (Gardner v Parker (2004), para. 70). بر این مبنا، چنانچه شرکت در اثر اقدام متخلفانه شخص ثالث متحمل ضرر می‌گردید و در نتیجه آن، بستانکار شرکت نمی‌توانست طلب خود از شرکت را وصول کند، دادگاه‌های انگلستان ضرر وارده به بستانکار را نیز انعکاس ضرر شرکت، و مشمول اصل می‌دانستند.

با این حال به‌موجب رأی دیوان عالی در قضیه «سویلیا»، دعای هم‌زمان بستانکاران شرکت حتی در مواردی که بستانکاران مذکور، سهام‌دار نیز باشند، ممنوع نبوده و این اشخاص می‌توانند بابت جبران زیان وارده به خود در نتیجه ورود زیان به شرکت، اقدام به اقامه دعوا علیه طرف زیان‌زننده کنند. دیوان عالی در این پرونده میان خسارات انعکاسی سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان از جمله بستانکاران شرکت قائل به تفکیک شد (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), paras. 61, 62-3). به باور این رأی، استدلال‌هایی که برای ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی سهام‌داران مطرح می‌شود، در موارد اقامه دعوا از سوی بستانکاران قابل دفاع نیست. از جمله، رابطه سهام‌دار با شرکت متفاوت از رابطه بستانکار با شرکت است و لذا زبانی که پس از ورود به شرکت از «ارزش» سهام سهام‌دار می‌کاهد، الزاماً از «ارزش» بستانکاری طلبکار نمی‌کاهد (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 84). در واقع، ایراد ضرر به شرکت تا زمانی که تمکن شرکت برای به پرداخت دیون خود باقی است، بستانکاران آن را متأثر نمی‌سازد (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 85). حتی در مواردی نیز که ضرر و زیان وارده موجب ورشکستگی شرکت شود، نوع زیان تبعی که سهام‌داران از یک‌سو و طلبکاران شرکت از سوی دیگر متحمل می‌شوند، از حیث زمان‌بندی و رابطه سببیت متفاوت است. توضیح آنکه در موارد ورشکستگی، سهام‌داران تنها از دارایی مازاد شرکت پس از تصفیه و آن هم به نسبت سهام‌داری خود بهره‌مند می‌شوند، در حالی که میزان

تأثیر ضرر شرکت بر بستانکاران به عوامل گوناگونی فراتر از صرف اموال شرکت بستگی دارد. این عوامل شامل تضامین طلب بستانکاران، قواعد حاکم بر اولویت دیون و تشکیل صفوف غرما، و نحوه تصفیه اموال شرکت و موفقیت دعاوی مطروحه از سوی مدیر تصفیه است. سرانجام و مهم‌تر آنکه حتی چنانچه ضرر شرکت منجر به ورود زیان به بستانکاران شود نیز موضوع از شمول قاعده خواهان مناسب در «فاس هار پاتل» خارج بوده و بستانکار به‌رغم داشتن سبب دعاوی هم‌زمان با شرکت علیه متخلف، می‌تواند علیه شخص اخیر طرح دعوا کند (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 86). در این راستا، قاعده تقسیم‌داری و ورشکسته میان غرما<sup>۱</sup> نیز مستلزم ترجیح دعاوی شرکت بر دعاوی بستانکار آن علیه شخص زیان‌زننده نیست. به‌موجب این قاعده، اموال شرکت در زمان تصفیه باید به نسبت طلب غرما میان ایشان تقسیم شود. وجوه مأخوذه از شخص زیان‌زننده بخشی از این اموال را تشکیل می‌دهد که باید پس از تصفیه طلب دیان با وثیقه، میان سایر غرما توزیع شود. نکته‌ای که دیوان عالی در قضیه «سویلیا» بر آن تأکید دارد این است که قاعده منع جبران مضاعف الزاماً در هر مورد که شرکت و بستانکار اسباب دعاوی هم‌زمان و موازی علیه شخص زیان‌زننده دارند، مصداق نمی‌یابد. زیرا ممکن است طلب بستانکار دارای وثیقه یا اولویت باشد (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 86). در مواردی نیز که ریسک جبران مضاعف بروز می‌یابد، اینکه چگونه باید از آن ممانعت کرد به شرایط و اوضاع احوال پرونده بستگی دارد (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 87). با این حال لزوم اجتناب از جبران مضاعف به این معنا نیست که دعاوی شرکت علیه شخص ثالث زیان‌زننده بر دعاوی بستانکار علیه همان شخص اولویت دارد. در واقع وجود ریسک جبران مضاعف نمی‌تواند مانع از اقامه دعوا در مواقعی باشد که بستانکار خود سبب مستقلی برای اقامه دعوا دارد، هرچند این سبب دعوا دارای هم‌پوشانی با سبب دعاوی متعلق به شرکت باشد (Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020), para. 63).

#### ۴-۱-۲. استثنائات

رویه قضایی انگلستان استثنائات مهمی را به اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی سهام‌داران وارد دانسته است (McLeannan, JS (2005), p. 199). نخست، هنگامی که شرکت فاقد سببی برای اقامه دعوا به‌منظور جبران خسارات خود است، و در عین حال سهام‌دار چنین سببی را در اختیار دارد، سهام‌دار مذکور می‌تواند به‌منظور جبران کاهش ارزش سهام خود طرح دعوا نماید. علت جواز دعاوی سهام‌دار در چنین شرایطی، بی‌تأثیر بودن دعاوی سهام‌دار بر اموال شرکت است. چنان‌که

1. pari passu.



اشاره شد، یکی از دلایل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی، جلوگیری از دارا شدن یکی از سهام‌داران به زیان سایر سهام‌داران شرکت است. بر این اساس، در مواردی که شرکت اساساً سببی برای طرح دعوا به‌منظور جبران خسارات ندارد، اقامه دعوا توسط یکی از سهام‌داران نمی‌تواند دارا شدن خواهان به زیان سایر سهام‌داران و طلبکاران شرکت محسوب شود. برای نمونه، در قضیه «فیشر»<sup>۱</sup>، خواهان به‌عنوان یک شرکت هلدینگ (مادر)، به‌منظور نصب و راه‌اندازی برخی تجهیزات در محل شرکت‌های زیرمجموعه خود، قراردادی با خواننده منعقد نمود. با این حال، به علت معیوب بودن تجهیزات مذکور، شرکت‌های زیرمجموعه خواهان متحمل زیان ناشی از کاهش فروش و افزایش هزینه‌های عملیاتی شدند. شرکت هلدینگ ضمن اقامه دعوا مدعی ورود خسارات غیرمستقیم به خود شده و از دادگاه خواست خسارات مذکور را با ارجاع به عدم‌النفع شرکت‌های زیرمجموعه، محاسبه نماید. دادگاه از یک سو به علت انعقاد قرارداد میان شرکت هلدینگ و خواننده، و از سوی دیگر به علت فقدان سبب دعوا برای شرکت‌های زیرمجموعه، حق سهام‌دار (شرکت هلدینگ) برای اقامه دعوا را به رسمیت شناخت.

دوم، در مواردی که سهام‌دار زیان مستقلاً از شرکت متحمل می‌شود، هر یک از شرکت و سهام‌دار می‌تواند به‌منظور دریافت خسارت به‌طور جداگانه اقامه دعوا کند. این استثنا البته مطابق با قاعده به نظر می‌رسد. زیرا در این‌گونه موارد سهام‌دار و شرکت نمی‌توانند در رابطه با خسارت وارده به یکدیگر اقدامی انجام دهند. به‌علاوه، حتی در صورتی که سهام‌دار سبب دعوی مستقلاً داشته باشد نمی‌تواند برای دریافت خسارت اقامه دعوا کند، مگر آنکه متحمل خساراتی افزون بر خسارات وارده به شرکت شده باشد (Day v Cook (2001), para. 79). این استثنا در پرونده «شیکر»<sup>۲</sup> مورد تأیید قرار گرفته است. به بیان دادگاه در این قضیه، «اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی دعوی را که خواهان نه به‌عنوان سهام‌دار، بلکه به‌عنوان ذی‌نفع تراست<sup>۲</sup> و به‌منظور مطالبه سود اقامه می‌کند، در برنمی‌گیرد مگر آنکه خواننده اثبات کند کل سود مورد مطالبه، انعکاسی از خسارت وارده به شرکت است که به‌منظور دریافت آن، شرکت خود واجد سببی برای طرح ادعا است» (Shaker v Al-Bedrawi (2002), para. 98).

استثنای سوم که در رویه قضایی انگلستان نخستین بار در قضیه «جیلز»<sup>۳</sup> مطرح شده، مربوط به مواردی است که شرکت در نتیجه زیان‌های وارده توسط طرف مقابل، قانوناً از اقامه دعوا ناتوان شده باشد. در این پرونده، خواهان سهام‌دار شرکتی بود که خواننده مدیریت آن را برعهده داشت. با این حال،

1. George Fischer (Great Britain) Ltd v Multi Construction Ltd (1995).

2. Trust.

3. Giles v Rhind (2002).

خواننده با ارجاع مشتریان شرکت به مؤسسه دیگری که تحت مدیریت و کنترل خود بود، تعهدات خود به‌عنوان مدیر را نقض نمود. از دست رفتن مشتریان و خسارات ناشی از آن شرکت را ناتوان از سپردن تضامین کافی در دعوا علیه خواننده نمود و در نتیجه، دعوایی که شرکت علیه مدیر نامبرده مطرح کرده بود، متوقف گردید. خواهان به‌عنوان سهام‌دار ضمن اقامه دعوا علیه خواننده (مدیر) خواستار دریافت غرامت به ارزش سهام خود در شرکت و نیز کلیه حقوق و مزایایی شد که می‌توانست در صورت ادامه یافتن کسب‌وکار شرکت، از آن‌ها بهره‌مند شود. دادگاه دعوای مذکور را مشمول اصل ممنوعیت خسارات انعکاسی ندانست و در تصمیم خود استدلال نمود که خواهان می‌تواند برای جبران کاهش ارزش سهام خود در نتیجه ورود خسارت به شرکت طرح دعوا کند، مشروط بر آنکه شرکت در نتیجه اقدامات غیرقانونی طرف مقابل از طرح یا تعقیب دعوای خود ناتوان شده باشد. تصمیم دادگاه در این پرونده در قضایای بعدی نیز مورد متابعت دادگاه‌ها قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. ایالات متحده آمریکا

به‌عنوان یک قاعده کلی در حقوق ایالات متحده، سهام‌داران از حق مستقلی برای طرح دعوا در خصوص خسارات انعکاسی ناشی از ورود خسارت به شرکت برخوردار نیستند. ممنوعیت مطالبه این نوع خسارات در ایالات متحده، به مانند انگلستان ریشه در رویه قضایی این کشور دارد. در واقع، علی‌رغم آنکه مفهوم خسارات انعکاسی در تمامی پنجاه ایالت کشور وجود ندارد (Chaisse, 2016: 57)، رویه قضایی به وضوح مطالبه این نوع خسارات را ممنوع اعلام کرده است. برای نمونه، به باور دادگاه تجدیدنظر بخش پنجم ایالات متحده در قضیه «استیونز»<sup>۲</sup> «هرگونه دعوا به‌منظور جبران خسارات وارده به یک شرکت باید به نام خود شرکت اقامه شود»، و در صورتی که سهام‌دار چنین دعوایی را به نام خود مطرح نماید، محکوم به رد خواهد بود. به استدلال دادگاه نامبرده، «حقوق سهام‌دار در این زمینه تنها مشتق از حقوق شرکت بوده و تنها از طریق آن قابل الزام می‌باشد». در واقع، «خسارات وارده به خواهان‌ها تنها ناشی از کاهش ارزش سهام ایشان در شرکت است که خود در نتیجه زیان وارده به شرکت ایجاد شده است». بنابراین، «خسارات ناشی از کاهش ارزش اموال شرکت به اندازه کافی مستقیم نیست که موجب سبب دعوای مستقیمی برای سهام‌دار شود تا به نام خود اقامه دعوا نماید.»

بررسی آرای دادگاه‌های ایالات متحده نشان می‌دهد همانند حقوق انگلستان، اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی در ایالات متحده نیز اصلی موسع است. نخست، به باور دادگاه تجدیدنظر

1. Webster v Sandersons (2009).

2. Stevens v Lowder (1981).

بخش ششم ایالات متحده در قضیه «وارن»<sup>۱</sup>، این اصل نه‌تنها نسبت به دعاوی سهام‌داران، بلکه در رابطه با خسارات وارده به کارکنان شرکت نیز اعمال می‌شود. به عقیده دادگاه مذکور، از دست رفتن موقعیت شغلی خواهان در این پرونده تنها یکی از «پیامد»های ایراد خسارت به شرکت بوده، و به سختی می‌توان اقدام غیرقانونی علیه شرکت را مستقیماً «باعث» آن دانست. دوم، دادگاه تجدیدنظر بخش هفتم ایالات متحده در پرونده «کارتز»<sup>۲</sup> ضمن تأیید اصل ممنوعیت مطالبه خسارات وارده به شرکت توسط سرمایه‌گذاران در آن، قلمرو اعمال اصل مذکور را محدود به حقوق مدنی و تجارت ندانست. به بیان این دادگاه، اصل ممنوعیت اقامه دعوا توسط ذی‌نفعانی که از یک اقدام غیرقانونی تنها به صورت غیرمستقیم آسیب می‌بینند در حقوق اساسی نیز قابل اعمال بوده و به همین علت، تنها دعاوی کسانی که اقدام غیرقانونی مستقیماً متوجه آن‌ها است، مسموع می‌باشد. در همین راستا، سهام‌داران همچنین نمی‌توانند بابت اقدامات غیرقانونی اتخاذشده علیه شرکت مبادرت به اقامه دعوی حقوق مدنی (شهروندی)<sup>۳</sup> نمایند.<sup>۴</sup> سوم، در صورت مطالبه خساراتی که ماهیتاً انعکاسی باشد، تفاوت در عنوان خواسته نمی‌تواند مانع از اعمال اصل شود. دادگاه تجدیدنظر ایلینویز در قضیه «گشمن»<sup>۵</sup> با همین استدلال، دعاوی خواهان نسبت به کاهش ارزش سهام خود را که تحت عنوان «محروم شدن سهام‌داران از اتخاذ تصمیمات آگاهانه سرمایه‌گذاری»<sup>۶</sup> مطرح کرده بود، مشمول اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی، و محکوم به رد اعلام کرد. چهارم، در ایالات متحده نیز همانند انگلستان، استقلال سبب دعاوی سهام‌دار از سبب دعاوی شرکت تفاوتی در ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی ایجاد نمی‌کند.<sup>۷</sup> به بیان دیوان عالی ایالت دلوور در قضیه «تولی»،<sup>۸</sup> «خسارتی که ادعا می‌شود مستقیماً به سهام‌دار وارد شده باید مستقل از هرگونه خسارت ادعایی وارده به شرکت باشد.» بنابراین، حتی در صورتی که یک اقدام واحد هم‌زمان به هر دوی شرکت و سهام‌دار آن خسارت وارد نماید، سهام‌دار معمولاً فاقد سمت لازم به منظور اقامه دعوا خواهد بود.

در مجموع به نظر می‌رسد دادگاه‌های ایالات متحده در پذیرش اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی، رویه‌ای منسجم و واحد داشته‌اند. وجود و استقرار این رویه در آرای مختلف نیز مورد

1. Warren v Manufacturers National Bank of Detroit (1985).
2. Carter v Berger (1985); see also: O'Bannon v Town Court Nursing Center (1980).
3. Civil rights action.
4. Erlich v Glasner (1969).
5. Cashman v Coopers 623 N.E.2d 907 (1993) 251 Ill. App.3d 730 191 Ill.Dec. 317.
6. Loss of an opportunity to make informed investment decisions.
7. Principles of Corporate Governance: Analysis and Recommendations (2012), op. cit. sec. 7.01.
8. Tooley v Donaldson (2004).

تأکید قرار گرفته است.<sup>۱</sup> با این حال، به نظر می‌رسد دادگاه‌های ایالات متحده چندان به مبانی اصل نپرداخته‌اند، و صرف اشاره به ماهیت خسارت از لحاظ مستقیم یا غیرمستقیم بودن، و نیز تفکیک شخصیت حقوقی شرکت از سهام‌داران را در این زمینه کافی دانسته‌اند. برای نمونه، به بیان دادگاه تجدیدنظر بخش دوم ایالات متحده در قضیه «زند»،<sup>۲</sup> هرگونه کاهش ارزش سهام خواهان «صرفاً انعکاسی از کاهش ارزش شرکت در نتیجه اقدام غیرقانونی طرف‌های مقابل شرکت» است. بر این اساس، و نیز به این علت که حق اقامه دعوا برای جبران خسارات وارده به شرکت از اموال شرکت و نه سهام‌دار، محسوب می‌شود، خسارات انعکاسی غیرقابل مطالبه و جبران توسط سهام‌دار می‌باشد. البته اعمال این اصل در ایالات متحده نیز با استثنائاتی مواجه است. از جمله، نخست، در صورتی که اقدام غیرقانونی شخص ثالث از یک تعهد مستقیم در قبال سهام‌دار ناشی شده باشد، مورد مشمول اصل نخواهد بود.<sup>۳</sup> دوم، چنانچه خسارات وارده به سهام‌دار مستقل از خسارات وارده به شرکت یا سایر سهام‌داران بوده و با خسارات وارده به شرکت هم‌پوشانی نداشته باشد، سهام‌دار می‌تواند به منظور مطالبه غرامات اقامه دعوا کند.<sup>۴</sup>

به بیان اصول حاکمیت شرکتی مؤسسه حقوق آمریکا، «یک عمل متخلفانه که از دارایی‌های شرکت می‌کاهد و بدین وسیله به صورت غیرمستقیم به سهام‌داران لطمه می‌زند، به دلیل ایراد لطمه قبلی به شرکت، ماهیتاً انعکاسی است؛ در مقابل، عمل متخلفانه‌ای که مستقل و مجزا از هرگونه لطمه به شرکت بوده و برای مثال در حقوق قانونی ناشی از سهام مداخله می‌کند یا مانع برقراری آن‌ها می‌شود، [مستقیماً متوجه سهام‌دار است و] منجر به دعاوی مستقیم می‌شود».<sup>۵</sup>

### ۳. دعاوی سهام‌داران بابت خسارات انعکاسی در نظام حقوق نوشته

نظام‌های حقوق نوشته نیز همانند سیستم کامن‌لا، تفاوت اساسی میان ضرر مستقیم به شرکت و زیان غیرمستقیم به سهام‌دار را به رسمیت می‌شناسند (Fleischer, 2018: 875).<sup>۶</sup> بنابراین، اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی در نظام‌های حقوق نوشته نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. در اینجا، موضع نظام‌های حقوقی فرانسه، آلمان، هلند و ایران به‌عنوان نمونه‌هایی از این سیستم حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

1. Small v Goldman (1986); Gaubert v United States (1989); Quarles v City of East Cleveland, Quarles v City of East Cleveland (1999).

2. Rand v Anaconda-Ericsson Inc. (1986).

3. Mann v Kemper Fin. Cos. (1993); Zokoych v Spalding (1976).

4. Twohy v First National Bank of Chicago (1985); Varga v McGraw Hill Fin. Inc. (2015).

5. Principles of Corporate Governance: Analysis and Recommendations, Eisenberg, Melvin A. (chief reporter), American Law Institute, 2012, sec. 7.01.

6. See also: Joffe, Victor et al. (2008), secs. 1.01-1.03.

## ۳-۱. فرانسه

در حقوق فرانسه، یک سهام‌دار عموماً تنها در جایی می‌تواند از جانب شخص خود طرح دعوا کند که متحمل یک خسارت «شخصی» شده باشد، یعنی خسارات سهام‌دار مستقل از خسارت وارده به شرکت باشد (Merle, Philippe (2000), p. 409). به باور دادگاه‌های فرانسه، تنها مطالبه خسارات ناشی از «ضرر خالص اقتصادی»<sup>۱</sup> از سوی سهام‌داران امکان‌پذیر است و نه خساراتی که در نتیجه و انعکاس زیان‌های وارده به شرکت، سهام‌دار را نیز تبعاً متأثر می‌سازد (Chaisse, 2016: 8). بر همین مبنا، شعبه تجاری دیوان تمیز فرانسه<sup>۲</sup> چند مورد از دعای خسارات انعکاسی سهام‌داران را با این استدلال که خسارت ادعا شده از سوی ایشان تنها «تابعی» از خسارت وارد آمده به شرکت بوده است، محکوم به رد اعلام کرده است.<sup>۳</sup> شعبه کیفری دیوان تمیز فرانسه نیز در پرونده‌های دیگر ضمن رد دعوی خواهان (سهام‌دار) در همین زمینه، بیان داشته است که: «کاهش ارزش سهام شرکت در نتیجه اقدامات غیرقانونی مدیران شرکت، خساراتی مختص به سهام‌داران آن نبوده، و در واقع خساراتی است که خود شرکت متحمل می‌شود.»<sup>۴</sup>

با توجه به توضیحات بالا باید گفت مشابه موضع سایر نظام‌های حقوقی، در فرانسه نیز دعای مستقیم سهام‌داران مشمول اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی نیست<sup>۵</sup> و بنابراین، سهام‌داران می‌توانند تنها بابت خسارات مستقیمی که مجزا و مستقل از خسارات وارده به شرکت است، اقامه دعوا نمایند.

## ۳-۲. آلمان

حقوق آلمان اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی را به رسمیت شناخته است. این ممنوعیت هم در قوانین این کشور و هم در رویه قضایی آن به چشم می‌خورد. برای نمونه، به موجب قانون شرکت‌های سهامی آلمان، سهام‌داران شرکت نمی‌توانند به منظور دریافت خسارات ناشی از زیان‌های وارده به شرکت مستقیماً اقامه دعوا نمایند، زیرا بر اساس بند ۱ ماده ۱۱۷ همین قانون، شخص زیان‌زننده به شرکت تنها در صورتی در برابر سهام‌داران مسئول است که خسارات علاوه بر شرکت، مستقلاً سهام‌داران را نیز متضرر کرده و در واقع، ضرر سهام‌داران اضافه بر ضرر شرکت باشد.<sup>۶</sup>

1. Pure economic loss.

2. Cour de cassation.

3. Cour de cassation, affaire No. 97-10886 (2002).

4. Cour de cassation, affaire No. 99-80387 (2000); Cour de cassation, affaire No. 97-80664 (2000); Cour de cassation, affaire No. 97-84885 (2000), see also: Cour d'appel de Versailles, affaire No. 04-1262 (2005).

5. Likillimba, Guy-Auguste (2009), sec. 6.

۶. مواد ۱۱۷ و ۳۱۷ قانون شرکت‌های سهامی آلمان، مصوب ۱۹۶۵ با اصلاحات بعدی.

به باور رویه قضایی آلمان، مبنای این ممنوعیت را باید در دو اصل حقوق شرکت‌ها، یعنی اصل «اختصاص اموال شرکت به کسب‌وکار خود شرکت»،<sup>۱</sup> و «اصل حفظ سرمایه»<sup>۲</sup> جست‌وجو نمود. دیوان عالی فدرال آلمان<sup>۳</sup> در قضیه «گیرمز» بر همین اساس خسارات وارده به سهام‌دار را تنها از طریق پرداخت به شرکت قابل جبران دانست.<sup>۴</sup> همین دیوان همچنین در پرونده «دوبای-فال» مقرر داشته در جایی که شخص ثالثی از روی بی‌مبالاتی به یک شرکت خسارت می‌زند، سهام‌دار نمی‌تواند علیه شخص ثالث طرح دعوا کند. چراکه این امر برخلاف اصل حفظ سرمایه است و جواز دریافت خسارت توسط سهام‌دار در چنین شرایطی، با این اصل که دارایی شرکت باید به کسب‌وکار خود شرکت اختصاص یابد، در تضاد قرار می‌گیرد. دیوان عالی فدرال آلمان در این پرونده متذکر شد که سهام‌دار می‌توانست در قبال هر خسارت جداگانه و مستقیمی طرح دعوا کند، اما نه در قبال خسارت انعکاسی. در همین راستا، به باور یکی از قضات دیوان عالی این کشور، هرگونه غرامت پولی که برای جبران خسارات وارده به شرکت پرداخت می‌شود، جزء اموال و دارایی شرکت است و سهام‌دار نمی‌تواند برای توزیع این غرامت دعوایی علیه شرکت داشته باشد. این اصل که یک سهام‌دار نمی‌تواند مستقیماً برای خسارت انعکاسی طرح دعوا کند، هم بر شرکت‌های سهامی<sup>۵</sup> و هم شرکت‌های با مسئولیت محدود<sup>۶</sup> اعمال می‌شود (Xiaoning Li, 2007: 199-200). نویسندگان حقوقی در آلمان نیز علی‌رغم برخی مخالفت‌ها نسبت به مبانی داخلی این اصل، بر وجود خود اصل توافق دارند (De Jong, Bas J: 2013: 9). استثنای این اصل در حقوق آلمان مربوط به مواقعی است که سهام‌دار سبب دعوای مجزا و مستقلی از شرکت داشته باشد.

### ۳-۳. هلند

نظام حقوقی کشور هلند از جمله دیگر نظام‌های حقوق نوشته به شمار می‌رود<sup>۷</sup> که دعوای مطالبه خسارات انعکاسی را ممنوع دانسته است. نه تنها دادگاه‌های تالی هلند در موارد متعددی اصل ممنوعیت خسارات انعکاسی را پذیرفته‌اند،<sup>۸</sup> بلکه دیوان عالی این کشور در پرونده معروف «پوت

1. Zweckwidmung des Gesellschaftsvermögens.
2. Principle of capital maintenance (Kapitalerhaltung).
3. Bundesgerichtshof (BGH) or Federal Court of Justice.
4. BGH 20.03.1995, BGHZ 129, 136, 166.
5. Aktiengesellschaft (AG) or public limited company.
6. Gesellschaft mit beschränkter Haftung (GmbH) or Limited Liability Company.

۷. برای ملاحظه مقایسه نظام حقوقی هلند با دیگر نظام‌های حقوق نوشته، نک:

- <http://www.dutchcivillaw.com/content/legalsystem011.htm>, last visited on December 5, 2020.
8. Ventaz Engineering v Industriebond FNV, HR Dec. 12, 1997, NJ 1998/348; Tuin Beheer v Houthoff Buruma, HR Feb. 16, 2007, JOR 2007/112; Van den Mosselaar v Lagero, HR Jul. 14,

علیه ای. بی. پی.» که از سوی سهام‌دار منفرد یک شرکت تابعه اقامه شد، بر این اصل مهر تأیید گذاشت.<sup>۱</sup> همانند سایر نظام‌های حقوقی، مطالعه رویه قضایی هلند در این زمینه نشان می‌دهد سهام‌داران می‌توانند در صورت ورود ضرر شخصی دست به طرح دعوا بزنند و این‌گونه دعای مضمول اصل ممنوعیت خسارات انعکاسی نیست.<sup>۲</sup>

#### ۳-۴. ایران

برای تحقق مسئولیت مدنی در حقوق ایران سه شرط اصلی برشمرده شده است: وجود ضرر، ارتکاب فعل زیان‌بار، و رابطه سببیت میان فعل مذکور و ضرری که وارد شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۳۹). آیا ورود خسارات انعکاسی به سهام‌دار می‌تواند مصداق مسئولیت مدنی زیان‌زننده در برابر سهام‌دار تلقی شود؟ برای پاسخ به این پرسش، خسارات انعکاسی را باید در پرتو این سه شرط مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

به استناد مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، وجود ضرر اعم از مادی و معنوی از جمله شرایط الزامی برای تحقق مسئولیت مدنی است. ضرر می‌تواند در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال، کاهش ارزش اموال یا آسیب به حقوق مالکانه اشخاص (از جمله حقوق مالکیت معنوی) ایجاد شود. بنابراین در نگاه نخست به نظر می‌رسد کاهش ارزش سهام یا کاهش سودآوری آن از مصادیق ضرر به شمار رود. با این حال، هر نوع ضرری را نمی‌توان قابل جبران دانست. از جمله شرایط قابل جبران بودن ضرر، «مستقیم بودن» و «شخصی بودن» آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۷۸). لزوم این شرط را در قلمرو دادرسی مدنی نیز می‌توان یافت؛ چنان‌که برای اقامه دعوا در حقوق ایران چهار شرط در نظر گرفته شده و ذی‌نفعی خواهان در اعمال حقی که مورد تضییع واقع شده، از جمله این شرایط است (شمس، ۱۳۹۳: ۲۸۰). ذی‌نفعی خواهان بدین معناست که «شخصی که اقامه دعوا می‌نماید باید توجیه کند که اگر دعوای اقامه شده، به صدور حکم علیه خوانده بیانجامد، قابلیت این را دارد که سودی به او برساند» (شمس، ۱۳۹۳: ۲۸۰). نفع خواهان در دعوا از جمله باید «شخصی و مستقیم» باشد. بدین ترتیب، «چنانچه شخصی حقوق اشخاص معینی را اعم از حقیقی و حقوقی تضییع نموده باشد، سایر اشخاص حق ندارند علیه فاعل اقامه دعوا نمایند و تنها شخصی که حق او تضییع شده علیه فاعل دارای چنین حقی می‌شود» (شمس، ۱۳۹۳: ۲۸۲).

2000, NJ 2001/685; Chipshol v Coopers & Lybrand, HR Jun. 15, 2001, JOR 2001/172; Kessock v S.F.T. Bank N.V., HR Nov. 2, 2007, NJ 2008/5.

1 Poot v ABP, HR Dec. 2, 1994, NJ 1995/288.

۲. برای مطالعه بیشتر پیرامون موضع حقوق هلند در این زمینه، نک:

De Jong, Bas J., op. cit. pp. 107-111.

برخی نویسندگان در راستای همین شرط به نوع خاصی از ضرر تحت عنوان «ضررهای جمعی» اشاره کرده‌اند. به بیان دکتر کاتوزیان، «گاه خسارتی به بار می‌آید که به دشواری می‌توان زیان دیده از آن را محدود به اشخاص معین کرد. زیان به جمعی نامحصور وارد آمده است و چنان منتشر است که هیچکس نمی‌تواند خود را زیان دیده اصلی بداند و از این بابت اقامه دعوا کند.» ایشان زیان جمعی سهام‌داران در شرکت‌های تجاری را مصداق این نوع ضرر جمعی دانسته و با فرض گرفتن اینکه «هیچ‌کس [از چنین ضرری] زیان مستقیم و قاطعی ندیده است تا حق طرح دعوا برای جبران زیان مادی یا معنوی را داشته باشد»، می‌پرسد «آیا زیان جمعی را به‌طور جمعی نیز نمی‌توان مطالبه کرد؟» دکتر کاتوزیان در ادامه این پرسش را با ارجاع به قواعد حقوق شرکت‌ها پاسخ می‌دهد: «مدیرعامل شرکت می‌تواند به نام شخصیت حقوقی، زیان جمعی شریکان را بخواهد» (شمس، ۱۳۹۳: ۲۷۴). بنابراین، شخصیت مستقل حقوقی شرکت مانند یک «منشور» عمل می‌کند که زیان وارد به شرکت را («شکسته») و میان سهام‌داران پخش می‌کند. این ضرر در واقع بین سهام‌داران توزیع شده و خود را در قالب کاهش ارزش سهام ایشان نشان می‌دهد و به همین علت نسبت به سهام‌داران شخصی نیست.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ابتدای تحلیل فوق بر وجود «شخصیت حقوقی مستقل» برای شرکت است. این استقلال در قوانین<sup>۱</sup> و همچنین رویه قضایی ایران<sup>۲</sup> امری کاملاً پذیرفته به شمار می‌رود. شناسایی شخصیت مستقل حقوقی برای اشخاص حقوقی واجد آثار مهم حقوقی و مالی، از جمله

۱. نک: مواد ۲۰ و ۵۸۸ قانون تجارت، ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹.
۲. نک: دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۰۶۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۰۸ شعبه ۸ دیوان عدالت اداری در تأیید شخصیت مستقل فرمانداری از فرماندار؛ دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۰۹۹۹ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۲ شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری در تأیید شخصیت مستقل دانشگاه‌های کشور از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به استناد ماده ۱۰ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم؛ دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۴۳۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۳ شعبه ۱ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در تأیید شخصیت مستقل شرکت مخابرات ایران از وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات؛ دادنامه ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۰۵۲۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۹ شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در تأیید شخصیت حقوقی مستقل موقوفه به استناد ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه. رویه قضایی در برخی موارد در خصوص وجود یا عدم شخصیت مستقل حقوقی دچار اختلاف نظر است. برای نمونه، درحالی که شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، مناطق شهرداری تهران را دارای شخصیت حقوقی مستقل از شهرداری تهران دانسته (دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۸۰۱۲۲۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰)، شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با وجود چنین استقلالی مخالفت کرده است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۰۱۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۱). البته رویه قضایی در خصوص فقدان شخصیت حقوقی مستقل برای شعب بانک‌ها تردیدی ندارد (دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۱۵۱۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).



تفکیک دارایی شرکت و سهام‌داران است. بدین ترتیب، دارایی شرکت تضمین انحصاری پرداخت طلب بستانکاران شرکت است: مسئولیت پرداخت بدهی‌های یک شرکت با خود آن شرکت بوده و بدهی شرکت اصولاً از محل اموال و دارایی‌های همان شرکت پرداخت می‌گردد، نه از محل اموال و حساب شخصی سهام‌داران و مدیران آن. همین نتیجه در موارد عکس این مورد نیز صادق است. بدین معنا که چنانچه شرکت از هر شخص ثالث مطالبه‌ای داشته باشد، تنها این خود شرکت است که نسبت به وصول مطالبات خود محق است. بنابراین اولاً طلبکاران شخصی سهام‌داران حق مراجعه به شرکت را ندارند و نمی‌توانند برای مطالبه طلب خود از سهام‌دار، علیه شرکت اقدام کنند. ثانیاً بستانکاران شرکت (به جز در مورد شرکت‌های اشخاص مانند شرکت‌های تضامنی) نمی‌توانند برای وصول مطالبات خود به سهام‌داران مراجعه کنند. سرانجام ممکن است این پرسش باقی بماند که با فرض تفکیک شخصیت و دارایی سهام‌داران از شرکت، ضرر وارده به ارزش سهام سهام‌داران در نهایت چگونه جبران می‌شود؟ در پاسخ باید گفت چنانچه شرکت از طریق ارکان حاکمیتی خود اقدام به طرح دعوا کرده و موفق به جبران خسارات خود شود، محکوم به وارد اموال و دارایی شرکت شده، و با فزونی اموال مثبت شرکت، ارزش کاهش یافته سهام سهام‌داران نیز جبران می‌شود. با در نظر داشتن ملاحظات فوق باید گفت با توجه به پذیرش اصل استقلال شخصیت حقوقی سهام‌داران از شخصیت حقوقی شرکت و نتیجتاً استقلال دارایی، بدهی، معاملات، بستانکاری و تعهدات آن‌ها از یکدیگر، مطالبه خسارت انعکاسی در حقوق ایران پذیرفته نیست و می‌توان همانند سایر نظام‌های حقوقی، اصلی به نام ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی در حقوق ایران نیز به دست داد.

با استناد به مبانی بررسی شده در اینجا همچنین می‌توان قلمرو تقریبی اصل را نیز به دست داد: بنابراین، اولاً کاهش ارزش و همچنین کاهش سودآوری سهام، هر دو مشمول اصل هستند. ثانیاً ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی فارغ از میزان سهام‌داری اعمال می‌شود و موقعیت اکثریت یا کنترل سهام‌دار مانع آن نیست. ثالثاً، به نظر می‌رسد مگر در صورت تصریح آتی از سوی قانون‌گذار، ممنوعیت دعوی مذکور حتی در موارد فقدان ملاحظات سیاست‌گذاری ناظر بر این ممنوعیت نیز علی‌القاعده جاری باشد چراکه ابتدای این اصل در حقوق ایران عمدتاً ماهیت غیرشخصی خسارات وارده و همچنین اصول و قواعد موجود در حقوق شرکت‌ها و مسئولیت مدنی است، و نه ملاحظات سیاست‌گذاری. رابعاً، اصل مذکور در موارد ورود کلیه خسارات به شرکت اعم از قراردادی و غیرقراردادی قابل اعمال است و تفاوتی از حیث منشأ مسئولیت در این زمینه وجود ندارد.

پرسشی که در اینجا می‌توان طرح کرد این است که اگر شخص زیان‌زننده به شرکت، مدیران شرکت باشند، آیا سهام‌دار می‌تواند بابت کاهش ارزش سهام خود در نتیجه اقدام متخلفانه مدیران،

مستقیماً علیه اشخاص نامبرده دست به طرح دعوای مطالبه خسارات انعکاسی بزنند؟ در پاسخ به نظر می‌رسد دعوای سهام‌دار همچنان مشمول اصل و بنابراین ممنوع خواهد بود. با وجود این سهام‌داران می‌توانند در صورت تحقق شرایط قانونی مندرج در ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت، به نمایندگی از شرکت اقدام به طرح دعوای مشتق علیه مدیران متخلف نمایند. در ادامه همچنین می‌توان پرسید آیا سهام‌داران می‌توانند دعوای خسارات انعکاسی خود را با استناد به ماده ۱۴۲ لایحه طرح و تعقیب نمایند؟ به موجب این ماده، «مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.» به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال به دلایل مختلفی منفی باشد. نخست، قانون‌گذار در وضع این مقرر در مقام بیان بوده و مسئولیت مدیران را صراحتاً در مقابل «شرکت» و «اشخاص ثالث» قرار داده که با لحاظ سیاق ماده، منصرف از «سهام‌داران» است. بنابراین در غیاب تصریح مقنن نمی‌توان قلمرو این ماده را به دعوای خسارات انعکاسی به معنای آنچه در این مقاله مطرح گردید، توسعه داد. به‌ویژه با پیش‌بینی دعوای مشتق در ماده ۲۷۶، امکان تعقیب مدیران برای سهام‌داران فراهم شده است. دوم، قلمرو ماده ۱۴۲ محدود به «مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی» شرکت است حال آنکه سهام‌داران ممکن است در نتیجه طیف وسیعی از مسئولیت‌های قراردادی و غیرقراردادی متحمل خسارات انعکاسی شوند. سوم و سرانجام، چنین تفسیری در هر حال با اصول و مبانی نظام حقوقی ما به شرحی که گذشت، سازگار نیست و توالی فاسد متعددی را در بر خواهد داشت.

### نتیجه

سهام‌داران شرکت‌ها به‌واسطه تملک سهام دارای حقوق متعدد مالی و غیرمالی بوده و دعوای سهام‌داران ابزار حقوقی اصلی در حمایت و رعایت این حقوق محسوب می‌شود. در همین راستا سهام‌داران ممکن است دست به اقامه سه نوع دعوای اصلی بزنند. دعوای مستقیم ناظر به حقوق شخصی سهام‌داران و همچنین رعایت تشریفات قانونی در تصمیم‌گیری شرکت‌ها است. این دعوای به نام و به حساب سهام‌دار و به‌منظور جبران خساراتی طرح می‌شود که مستقیماً به سهام‌دار وارد شده است. دعوای مشتق اما به نمایندگی از شرکت و به‌منظور حمایت از آن در برابر مدیران متخلف اقامه می‌گردد. اشکال مختلفی از دعوای مستقیم و مشتق (با تفاوت‌های قابل‌اغماض) در همه نظام‌های حقوقی مورد شناسایی قانون‌گذاران قرار گرفته و از ابزارهای مهم حقوقی حمایت از سهام‌داران به شمار می‌روند.

با این حال، نظام‌های حقوقی جهان در برابر نوع سوم دعای سهام‌داران که به دعای خسارات انعکاسی موسوم است، یک‌صدا به مخالفت برخاسته‌اند. موضع نظام‌های حقوقی گوناگون علیه این نوع دعای را می‌توان در «اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی» سراغ گرفت که از مفاهیم حقوق انگلستان به شمار می‌رود اما در بقیه کشورهای نیز مورد پذیرش واقع شده است. در این نوع دعای سهام‌دار بابت کاهش ارزش سهام خود در شرکت و یا کاهش قابلیت آن در ایجاد سود سهام، مبادرت به طرح دعوا علیه شخص زیان‌زننده به شرکت می‌کند. با این حال، قوانین و رویه قضایی کشورهای گوناگون (اعم از کامن‌لا و حقوق نوشته) خسارات مزبور را غیرمستقیم و غیرشخصی دانسته، و با استناد به اصول حقوق شرکت‌ها از جمله استقلال شخصیت حقوقی شرکت از سهام‌داران و تفکیک دارایی ایشان، دعای مطالبه خسارات انعکاسی را محکوم به رد اعلام کرده‌اند. مبانی این اصل در رویه قضایی انگلستان به‌ویژه در قضایای «پرودنشال»، «جانسون» و «سیویلیا» مورد تحلیل و بررسی، و بعضاً مناقشه قرار گرفته است. قدر متیقن رویه مذکور آن است که ریشه‌های اصل را باید در قاعده خواهان مناسب، لزوم پایبندی به اصول حاکمیت شرکتی و ماهیت غیرمستقیم خسارات وارده به سهام‌دار دانست. بنابراین، علی‌رغم متضرر شدن سهام‌داران در موارد خسارات انعکاسی، قانون ضرر و زیانی مستقل از ضرر وارده به شرکت برای سهام‌داران شناسایی نمی‌کند. قلمرو و مفاد اصل مذکور را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

- هنگامی که شرکت به علت نقض تعهدی که در قبال آن وجود دارد، متحمل زیان می‌شود، و سهام‌دار بابت نقض تعهدی که مستقلاً در قبال سهام‌دار وجود داشته، متحمل ضرر و زیانی جداگانه و مستقل از ضرر وارده به شرکت می‌گردد، هر دوی شرکت و سهام‌دار می‌توانند به‌منظور جبران خسارات وارده به خود که ناشی از نقض تعهد موجود در قبال خود بوده، دست به اقامه دعوا علیه شخص متخلف بزنند، اما هیچ‌یک نمی‌توانند دعوای یکدیگر را به‌جای هم طرح کنند؛
- زمانی که یک شرکت به علت تخلف از تعهدی که در قبال آن وجود داشته متحمل ضرر شود، تنها شرکت است که می‌تواند بابت ضرر مذکور اقامه دعوا کند. در این حالت سهام‌دار جهت اقامه دعوی مذکور در قامت سهام‌دار، از هیچ‌گونه سببی برخوردار نیست و سببی نیز جهت اقامه دعوا به‌منظور جبران کاهش ارزش سهام خود که تنها انعکاسی از خسارات وارده به شرکت است، در اختیار ندارد. در واقع، در مواردی شرکت می‌تواند ضرر وارده به خود را رأساً از طریق اقامه دعوا علیه شخص متخلف انجام دهد و به‌تبع ضرر و زیان سهام‌دار را نیز به‌صورت غیرمستقیم جبران کند، سهام‌دار از سبب دعوی مستقل از شرکت برخوردار نیست. این امر حتی در صورتی که شرکت از طریق ارکان حاکمیتی خود از طرح یا تعقیب دعوا جهت جبران زیان

وارده به شرکت، خودداری کرده باشد نیز صادق است؛

- در مواردی که شرکت متحمل زیان می‌شود، اما سببی جهت اقامه دعوا به‌منظور جبران زیان مذکور ندارد، سهام‌دار شرکت ممکن است در صورت در اختیار داشتن سبب دعوای لازم، برای جبران خسارات وارده به شرکت، اقامه دعوا نماید، حتی چنانچه ضرر و زیان وارده به سهام‌دار، همان کاهش ارزش سهام وی باشد؛

در مجموع، دعاوی سهام‌داران برای مطالبه این‌گونه خسارات عموماً در نظام‌های پیشرفته حقوق داخلی ممنوع است و «اصل ممنوعیت مطالبه خسارات انعکاسی» در بسیاری از کشورهای جهان از قواعد شناخته‌شده حقوق شرکت‌ها محسوب می‌شود. علی‌رغم سکوت قوانین و رویه قضایی ایران در این زمینه، اصول و قواعد حقوق شرکت‌ها و مسئولیت مدنی از جمله استقلال و تفکیک شخصیت حقوقی شرکت از سهام‌داران و غیرقابل مطالبه بودن خسارات غیرشخصی (غیرمستقیم)، مستلزم پذیرش اصل مذکور در نظام حقوقی ایران است.

## منابع

## فارسی

- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۲)، حقوق تجارت؛ شرکت‌های تجاری، جلد دوم، ویراست دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۴)، حقوق شرکت‌های تجاری، ویراست دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- پاسبان، محمدرضا و مجتبی جهانیان (۱۳۹۲)، «دعوی مشتق و آیین آن: بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان»، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۴.
- دمرچیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرانی (۱۳۹۲)، قانون تجارت در نظم کنونی حقوقی، چاپ بیستم، تهران: انتشارات دادستان.
- عیسائی تفرشی، محمد، سعیده امیرتیموری، مرتضی نصیری و مرتضی شهبازی‌نیا (۱۳۹۳)، «مفهوم دعوی مشتق و ویژگی استثنایی آن (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان، آمریکا، فرانسه و ایران)»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۴.
- فرحناکیان، فرشید (۱۳۹۸)، قانون تجارت در نظم کنونی حقوقی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، قواعد عمومی، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۳)، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ سی‌ویکم، تهران: دراک.

## آرای قضایی

- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۰۶۲۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۰۸ شعبه ۸ دیوان عدالت اداری.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۲۲۰۰۹۹۹ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۲ شعبه ۲۲ دیوان عدالت اداری.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۰۴۳۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۳ شعبه ۱ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۰۵۲۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۹ شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۸۰۱۲۲۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ شعبه ۲۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۰۱۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۱ شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۷۰۱۵۱۷ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

## انگلیسی / فرانسوی

## Books

- Bourne, Nicholas, *Principles of Company Law*, 3<sup>rd</sup> edition, Cavendish Publishing Ltd., 1998.
- Chen, Wenjing, *A Comparative Study of Funding Shareholder Litigation*, Springer, 1<sup>st</sup> edition, 2017.
- Davies, Paul, Worthington, Sarah, *Gower Principles of Modern Company Law*, 10<sup>th</sup> edition, Sweet & Maxwell, 2016.
- Dignam, Alan; Lowry, John; *Company Law*, 7<sup>th</sup> edition, Oxford University Press, 2012.
- Goo, S H, *Minority Shareholders' Protection; A Study of Section 459 of the Companies Act 1985*, 1<sup>st</sup> edition, Cavendish Publishing Ltd, 1994.

- Hannigan, Brenda, *Company Law*, 3<sup>rd</sup> edition, Oxford University Press, 2012.
- Dine, Janet, *Company Law*, 2<sup>nd</sup> edition, Cavendish Publishing Ltd. 1999.
- Joffe, Victor et al., *Minority Shareholders: Law, Practice and Procedures*, 3<sup>rd</sup> edition, Oxford University Press, 2008.
- McLaughlin, Susan, *Unlocking Company Law*, 2<sup>nd</sup> edition, Routledge, 2013.
- Merle, Philippe, *Droit Commercial: Sociétés Commerciales*, 7<sup>th</sup> edition, Dalloz, 2000.
- Reisberg, Arad, *Derivative Actions and Corporate Governance: Theory and Operation*, 1<sup>st</sup> edition, Oxford University Press, 2009.
- Sealy, Len, Worthington, Sarah, *Sealy's Cases and Materials in Company Law*, 9<sup>th</sup> edition, Oxford University Press, 2010.
- Wrbka, Stefan, Van Uytsel, Steven, Siems, Mathias (eds.), *Collective Actions – Enhancing Access to Justice and Reconciling Multilayer Interests?*, 1<sup>st</sup> edition, Cambridge University Press, 2012.

### Articles

- Anderson, Helen; Welsh, Michelle; Ramsay, Ian; Gahan, Peter; “The Evolution of Shareholder and Creditor Protection in Australia: An International Comparison”, *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 61, Issue 1, 2012.
- Braendle, Udo, “Shareholder Protection in the USA and Germany; Law and Finance Revisited”, *German Law Journal*, Vol. 7, No. 3, 2006.
- Buckle, Paul, “The Rule Against Reflective Loss, Trusts and Freeman v Ansbacher in Jersey”, *Trusts & Trustees*, Vol. 16, No. 9, 2010.
- Chaisse, Julien, “Shareholder Protection Reloaded – The Matrix of Shareholder Claims for Reflective Loss”, *Stanford Journal of International Law*, Vol. 52 Issue 1, 2016.
- Clarke, Malcolm, “Litigation by Shareholders and Reflective Loss”, *The Cambridge Law Journal*, Vol. 60, Part 2, 2001.
- Conway, Gerard, “Ne Bis in Idem in International Law”, *International Criminal Law Review*, 2003.
- De Jong, Bas J. “Shareholders’ Claims for Reflective Loss: A Comparative Legal Analysis”, *European Business Organization Law Review*, Vol. 14, No. 1, 2013.
- DeMott, Deborah A., “Shareholder Litigation in Australia and the United States: Common Problems, Uncommon Solutions”, *Sydney Law Review*, Vol. 11, 1986.
- Fleischer, Holger, “Comparative Corporate Governance in Closely Held Corporations”, in Gordon, Jeffrey N., Ringe, Wolf-Georg (eds.), *The Oxford Handbook of Corporate Law and Governance*, 1<sup>st</sup> edition, Oxford University Press, 2018.
- Gelter, Martin, “Mapping Types of Shareholder Lawsuits across Jurisdiction”, *ECGI Working Paper Series in Law*, Fordham University School of Law, Working Paper No. 363/2017, in Erickson, Jessica; Griffith, Sean; Webber, David; Winship, Verity (eds.), *Research Handbook on Representative Shareholder Litigation*, Edward Elgard Publishing, 1<sup>st</sup> edition, 2018.
- Gelter, Martin, “Why do Shareholder Derivative Suits Remain Rare in Continental Europe?”, *Brooklyn Journal of International Law*, Vol. 37, Issue 3, 2012.
- Goo, S H, “Multiple Derivative Action and Common Law Derivative Action Revisited: A Tale of Two Jurisdictions”, *Journal of Corporate Law Studies*, Vol. 10, No. 1, 2010.
- Ireland, Paddy, Grigg-Spall, Ian, Kelly, Dave, “The Conceptual Foundations of Modern Company Law”, *Journal of Law and Society*, Vol. 14, No. 1, 1987.
- Hill, Jennifer, “Visions and Revisions of the Shareholder”, *American Journal of Comparative Law*, Vol. 48, 2000.

- Koh, Pearlie, “The Shareholder’s Personal Claim: Allowing Recovery for Reflective Loss”, *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 23, 2011.
- Likillimba, Guy-Auguste, “Le Préjudice Individuel et/ou Collectif en Droit des Groupements”, *Revue trimestrielle de droit commercial et de droit économique*, Dalloz, 2009.
- Lowe, Tom, “Mixed and Multiple Derivative Claims to Address Reflective Loss Problems”, *Trusts & Trustees*, Vol. 20, No. 9, 2014.
- McLeannan, JS, “Companies, Shareholders and Reflective Losses”, *Mercantile Law Journal*, Vol. 17, Issue 2, 2005.
- Shapira, Gioba, “Shareholder Personal Action in Respect of a Loss Suffered by the Company: The Problem of Overlapping Claims and Reflective Loss in English Company Law”, *The International Lawyer*, Vol. 37, No. 1, 2003.
- Siems, Mathias, “Private Enforcement of Directors’ Duties; Derivative Actions as a Global Phenomenon”, in *Wrška, Stefan, Van Uytsel, Steven, Siems, Mathias (eds)*, 2010.
- Spotorno, Agustin, “Why is the Rule in Foss v. Harbottle Such an Important One?”, *Business Law Review*, Vol. 39, No. 6, 2018.
- Steinfeld, Alan, “In the Looking Glass: Holding Companies and Reflective Loss”, *Trusts & Trustees*, Vol. 22, No. 3, 2016.
- Xiaoning Li, *A Comparative Study of Shareholders’ Derivative Actions: England, The United States, Germany and China*, Kluwer, 2007.

## Judgements and Awards

### England

- Alfred McAlpine Construction Ltd v Panatown Ltd [2001] 1 AC
- Bond v Barrow Haematite Steel Co (1902) 1 Ch 353
- Burland v Earle (1902) AC 83
- Day v Cook (2001) EWCA Civ 592
- Foss v Harbottle (1843) 2 Hare 461
- Gaetano Ltd v Obertor Ltd (2009) EWHC 2653 (Ch)
- Gardner v Parker (2004) EWCA Civ 781
- George Fischer (Great Britain) Ltd v Multi Construction Ltd (1995) 1 BCLC 260
- Giles v Rhind (2002) EWCA Civ 1428
- Johnson v Gore Wood (2002) 2 AC 1 per Lord Bingham
- Lee v Sheard (1956) 1956 QB 1 192 – 1956
- Liverpool No 2 [1963];
- Macaura v Northern Assurance co Ltd. (1925) AC 619
- MacDougall v Gardiner (1875) 1 Ch. D. 13 - Supreme Court (1875)
- Mozley v Alston, (1847) 1Ph
- Prudential Assurance v Newman (1982) 1 Ch 204
- Rushmer v Mervyn Smith (2009) EWHC 94 (QB)
- Sevilleja v Marex Financial Ltd (2020)
- Shaker v Al-Bedrawi (2002) EWCA Civ 1452
- Webster v Sandersons (2009) EWCA Civ 830
- Wood v Odessa Waterworks Co (1889) Lr 42 Ch d 636

### United States

- Carter v Berger (1985) 777 F.2d 1173
- Cashman v Coopers (1993) 623 N.E.2d 907 251 Ill. App.3d 730 191 Ill. Dec. 317
- Erlich v Glasner (1969) 418 F.2d 226, 227-28 (9th Cir.)
- Gaubert v United States (1989) 855 F.2d 1284 (5th Cir.).

- Mann v Kemper Fin. Cos. (1993) 247 Ill.App.3d 966, 973, 187 Ill. Dec. 726, 618 N.E.2d 317, 322
- O'Bannon v Town Court Nursing Center (1980) 447 U.S. 773, 100 S.Ct. 2467, 65 L.Ed.2d 506
- Quarles v City of East Cleveland, (1999) US App. LEXIS 34061 (6th Cir.)
- Rand v Anaconda-Ericsson Inc. (1986) 794 F.2d 843
- Small v Goldman (1986) 637 F.Supp. 1030, 1031 (D.N.J.)
- Stevens v Lowder (1981) 643 F.2d 1078
- Tooley v Donaldson (2004) Lufkin & Jenrette, Inc., 845 A.2d 1031 (Sup. Ct. Del.)
- Twohy v First National Bank of Chicago (1985) 758 F.2d 1185, 1194 (7th Cir.)
- Varga v McGraw Hill Fin. Inc. (2015) NY Slip Op 31453 (U)
- Warren v Manufacturers National Bank of Detroit (1985) 759 F.2d 542
- Zokoych v Spalding (1976) 36 Ill.App.3d 654, 663, 344 N.E.2d 805

### France

- Cour de cassation, affaire No. 97-10886 (2002)
- Cour de cassation, affaire No. 99-80387 (2000)
- Cour de cassation, affaire No. 97-80664 (2000)
- Cour de cassation, affaire No. 97-84885 (2000)
- Cour d'appel de Versailles, affaire No. 04-1262 (2005)

### Germany

- BGH 20.03.1995, BGHZ 129, 136, 166

### Netherlands

- *Ventax Engineering v Industriebond FNV*, HR Dec. 12, 1997, NJ 1998/348
- *Tuin Bebeer v Houthoff Buruma*, HR Feb. 16, 2007, JOR 2007/112
- *Van den Mosselaar v Lagero*, HR Jul. 14, 2000, NJ 2001/685
- *Chipsbol v Coopers & Lybrand*, HR Jun. 15, 2001, JOR 2001/172
- *Kessock v S.F.T. Bank N.V.*, HR Nov. 2, 2007, NJ 2008/5.
- *Poot v ABP*, HR Dec. 2, 1994, NJ 1995/288

### Reports and Guidelines

- *Study on Minority Shareholders Protection – Final Report*, European Commission, Publication Office of the European Union, 2018. Available at: <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/1893f7b8-93a4-11e8-8bc1-01aa75ed71a1/language-en>, last visited on May 29, 2020.
- *Principles of Corporate Governance: Analysis and Recommendations*, Eisenberg, Melvin A. (chief reporter), American Law Institute, 2012.
- *G20/OECD Principles of Corporate Governance*, OECD Publishing, Paris, 2015.

### Miscellaneous

- <http://www.dutchcivillaw.com/content/legalsystem011.htm>, last visited on December 5, 2020.
- Bigge, David M., “Judicial Economy in Investor-State Disputes”, *Kluwer Arbitration Blog*, 2017.